

از هشدار بحران تدفین در تهران تا متهم کردن «مافیای زمین»، آرامستان‌ها به نقطه جوش رسیده‌اند

قطعه ۳۲۹ آخرین امید اموات

● پیرهادی: فقط «قطعه ۳۲۹» برای دفن روزانه باقی مانده و اگر این قطعه هم پر شود

عملاً امکان دفن روزانه در بهشت زهرا متوقف می‌شود

● صادقی: بحران دفن اموات نداریم، این فضاسازی‌ها بوی مافیای زمین می‌دهد **صفحه ۶**



بررسی کمدی سیاسی در سینمای ایران
با تمرکز بر فیلم «صددام»؛ نقد جریان‌های
رایج و ظرفیت‌های فراموش شده طنز

صددام فیلمی از جنس فرصت سوزی

● کمدی، صر فا برای
خنداندن نیست. امکان
تابوشکنی، آشنایی زدایی
و غافلگیری برای نگاه تازه
بخشیدن به مخاطب است
● کمدی‌های رایج سال‌های
اخیر با تکرار نوستالژی‌های
دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و باز تولید
کلیشه‌های نخ‌نما شده تلاش
می‌کنند مخاطب را بخندانند

صفحه ۴

گزارش

پله‌برقی‌های خاموش، نمادی از فرسودگی مترو تهران

ایستگاه توقف خدمات

صبح‌ها همیشه ایستگاه‌های مترو و شلوغ‌تر از همیشه است. البته که در ساعات‌های عصر و تعطیلی ادارات هم مترو همین تجربه را تکرار می‌کند. مردمی که عجله دارند و با قدم‌های تند راه می‌روند تا هر کدام به جایی که می‌خواهند برسند. یکی دانشگاه، یکی مدرسه، دیگری محل کار. انگار با زمان مسابقه دارند. خیلی‌ها مترو را انتخاب می‌کنند، اما درست همان لحظه که صدای قطار از دور شنیده می‌شود، شتاب آدم‌ها بیشتر می‌شود. انگار خط پایان نزدیک است و باید پیش از آن به مقصد رسید. اصلاً این تصویر دویدن برای جا نماندن از قطار را کنار بگذاریم، مسئله از جایی شروع می‌شود که مسافر باید مسیر بلند و خسته‌کننده پله‌ها را بالا برود یا پایین بیاید تا خودش را به سکو برساند یا از آن خارج شود. همین مسیر هم برای خیلی‌ها آسان نیست. مخصوصاً وقتی آسانسور یا پله‌برقی کار نمی‌کند. اما یک صحنه برای همه متروسواران تکراری شده است، نوار زردی که می‌گوید پله برقی خراب است. مسافران مترو با این صحنه بیگانه نیستند. پله‌برقی‌های از کار افتاده دیگر بخشی از زندگی روزمره شده‌اند. تعجبی ندارد وقتی یکی شان از حرکت ایستاده. امروز نوبت کدام ایستگاه است؟ انگار قرعه کشی هر روزه است. جای‌هاش، چند ده پله است که باید با زانوپی دردناک یا باری در دست از آن بالا بروی.

صد البته که نمی‌شود همه چیز را به گردن استهلاک انداخت. سال‌هاست مترو تهران با جمعیتی بیش از توانش سروکله می‌زند. تجهیزا‌تش فرسوده‌اند، اما برنامه‌ای هم برای نوسازی‌شان به چشم نمی‌خورد. کسی نمی‌گوید چند پله‌برقی خراب داریم یا قرار است کی درست شوند. فقط باید هر روز آماده باشی. برای بالا رفتن، پایین رفتن، بی‌آنکه بدانیم راه‌مان آسان خواهد بود یا نه. پله‌برقی خراب فقط یک وسیله متوقف‌شده نیست. نشانی است از بی‌توجهی مزمنی که همه به آن عادت کرده‌اند. همان نوار زردی که هر روز می‌بینی‌اش و دیگر حتی تعجب نمی‌کنی. زهرا، زنی میانسال با عصا به آرامی از پله‌های ایستگاه شهید نواب پایین می‌رود. دو نفر به کمکش آمده‌اند. می‌گوید: «اگر پسرم همراهم نبود، مجبور می‌شدم از رفتن به پزشک صرف‌نظر کنم». سخت نیست تصور رنج کسانی که با محدودیت حرکتی، دیسک کمر، بارداری یا حتی بچه بغل کردن ناچارند هر روز از پله‌هایی بالا و پایین بروند که قرار بود روزی برقی و یاری‌دهنده باشند.



علی آقامیرزایی ملی‌پوش باسابقه قایقرانی ایران از تبعیض در ورزش و دردهای پنهان قایقرانی می‌گوید

بیرانوند ۷۰میلیارد تومان می‌گیرد ما درگیر ۲۰میلیون تومان در ماه هستیم

صفحه ۱۱

اتهام تجاوز به سه ورزشکار دوومیدانی ایرانی در کره

دستگیری در محل ارتکاب جرم

پلیس و رسانه‌های کره‌ای جزئیات حادثه را منتشر کردند و از مقامات ایران خواستند واکنش فوری نشان دهند

صفحه ۱۱

مادری که نمی‌خوابد

روایتی از ایستادگی لیلا سویف، پس از ۲۴۲ روز اعتصاب غذا

صفحه ۱۲

روایت خانواده دختر ۲۴ ساله‌ای به نام الهه حسین‌نژاد که در مسیر بازگشت از آرایشگاه به خانه‌اش ناپدید شد

الهه‌کجاست؟

● یک هفته از ناپدید شدن الهه می‌گذرد، پلیس هنوز سرنخی ندارد
● او آخرین بار در تماس با خواهرش گفت تا ۱۵ دقیقه دیگر می‌رسد

صفحه ۷



افزایش ۴۰درصدی قیمت لبنیات در پی گرانی شیر خام

فشار مضاعف بر سرفه مردم و تهدید ی برای سلامت جامعه

خدا حافظ پنیر

● قیمت شیر خام به ۲۳ هزار تومان رسید و زمینه‌ساز گرانی گسترده لبنیات شد

● برخی محصولات هنوز با قیمت قبل فروخته می‌شوند، اما به‌زودی نرخ‌ها تغییر خواهد کرد

صفحه ۲

گفت‌وگو با اشکان پیردل‌زنده کارگردان
نمایش «قضیه تفنگ چخوف»

مشاهیر را فراخواندیم تا دوباره هنر خلق کنند

صفحه ۵



طبل جنگ در تنگه تایوان

نشانه‌های هشداردهنده از آمادگی چین برای حمله

به جزیره خودگردان مورد مناقشه به چشم می‌خورد **صفحه ۳**



رت‌راد، خودروهایی زنگ‌زده اما با داستان و تار و پخچه که به نماد اعتراض به خودروهای مدرن و تجملی تبدیل شده‌اند

هنر خیابانی خودرو

● جشنواره‌ها و گردهمایی‌های رت‌راد در سراسر جهان علاقه‌مندان را دور هم جمع می‌کنند **صفحه ۸**



روایت

رودخانه قره‌سو قربانی آلودگی‌های صنعتی و شهری
در شمال استان اردبیل شده است

داستان تلخ آب و پساب

رودخانه قره‌سو که زمانی نماد برکت و حیات در شمال استان اردبیل بود، حالا به منبع نگرانی و تهدید برای ساکنان اطرافش بدل شده است. سال‌هاست که ورود فاضلاب شهری و پساب صنعتی به این رودخانه، آرام‌رام زندگی مردم، محیط زیست و حتی کشاورزی منطقه را در معرض خطر قرار داده و سلامت ساکنان روستاهای مسیر را تهدید می‌کند. و سرمایه‌گذاری هزار میلیارد ریالی، شرایط در حال بهبود است. با این حال هنوز برخی واحدها پسایی بسیار فراتر از حد مجاز تولید می‌کنند که باید به‌طور مستقل تصفیه شود. اما فقط شهرک صنعتی نیست که آلودگی ایجاد می‌کند. شهریار عباس‌زاده، معاون شرکت آب و فاضلاب استان از افزایش جمعیت اردبیل و فشار سنگین بر تصفیه‌خانه فاضلاب شهری می‌گوید: «تصفیه‌خانه سه برابر ظرفیت اسمی خود کار می‌کند. با این شرایط فقط می‌توان پساب را به سطح استانداردهای کشاورزی غیرمثمر رساند.» او از قرار دادهایی برای ارتقای تصفیه‌خانه با ارزش بیش از هزار و ۴۰۰ میلیارد ریال خبر داد و گفت: «حدود یک هزار و ۱۰۰ میلیارد ریال از محل ماده ۵۶ برای این طرح پیش‌بینی شده بود که قسط اول آن استفاده سال ۱۴۰۱ به میزان ۲۰۰ میلیارد ریال پرداخت شد و این در حالی است که طی این مدت تورم و هزینه‌های اجرای طرح هم افزایش یافته است.» در حالی که وضعیت رودخانه قره‌سو همچنان بحرانی است، مسئولان از برنامه‌ها و اقدامات نیمه‌تمام یا کرده و در بازدیدهای میدانی و جلسات تخصصی موضوع را بررسی کرده‌است. فرهادی فر با تأکید بر اینکه نباید به همه چیز نگاه قضایی و سلبی داشته باشیم، گفت: مسئله آلودگی رودخانه قره‌سو یک شبه رخ نداده است، واقعیت این است که این وضعیت از گذشته به دلیل عدم مسئولیت‌شناسی



رفتارهای پرریسک انسان‌ها در شرایط نابرابر و استرس‌زا، مشابه
 زنبورها از مکانیزم‌های روان‌شناختی و اقتصادی ریشه می‌گیرد

ذهن گرسنه، راهی به جز ریسک ندارد

وقتی شهیدی نیست، گل خطرناک هم و سوسه برانگیز می شود



شاید برای شما جالب باشد که پژوهش‌هایی که روی رفتار زنبورهای عسل انجام شده، نشان می‌دهد زمانی که منابع غذایی در کندو، کم و به‌طور نابرابر تقسیم شده باشند، زنبورهای رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهند. به جای اینکه به دنبال گل‌هایی برآیند که مطمئناً شهد دارند، ترجیح می‌دهند به سمت گل‌هایی برآیند که احتمالاً هیچ شهدی نداشته باشد. این بدان معناست که مغز آنها تحت فشار کمبود منابع، تصمیم‌های نکانه‌ای و ریسک‌پذیر اتخاذ می‌کند.

این موضوع صرفاً یک رفتار ساده در میان حشرات نیست. وقتی منابع محدود و نابرابر تقسیم شوند، موجودات زن ترجیح می دهند که با پرسکین بیشتر اقدام کنند تا شاید بتوانند چیزی کسب کنند. سرنیو، دقیقاً مانند همین زن‌ها، با انسان‌ها نیز زمانی که در شرایط اقتصادی نامطلوب و نابرابر قرار می گیریم، تحت فشار روانی مزمنی واقع می شویم که ذهن ما را از آرامش و تصمیم گیری منطقی دور می سازد.

مطالعات روانشناسی نشان داده است که استرس‌های مستمر و کمبود منابع موجب کاهش توانایی کنترل نفس یا همان خودکنترلی می‌شود. در چنین وضعیتی، ذهن انسان ترجیح می‌دهد به جای تفکر عمیق و نامرنام‌رزی بلندمدت، تصمیم‌هایی سریع، تکانه‌ای و گاه پرخطر اتخاذ کند.

ممکن است مشاهده کنیم فردی در امتحان تقلب می‌کند یا ناگهان دست به کار خلاف می‌زند؛ اغلب این رفتارها از نگاه ما انتخالی آگاهانه و نامطلوب به نظر می‌رسند اما اگر شرایط اقتصادی و اجتماعی آن فرد را مورد بررسی قرار دهیم، درمی‌یابیم که شاید آن تصمیم تنها راهی بوده که ذہن تحت فشار، آن‌توانسته است انتخاب کند.

این مسئله صرفاً یک مسئله اخلاقی یا رفتاری نیست، بلکه پدیده‌ای روان‌شناختی است که در بطن نابرابری‌های اقتصادی ریشه دارد. وقتی فردی در شرایط دشوار و کمبود منابع قرار می‌گیرد، چشم‌انداز آینده برای او مبهم می‌شود و احتمال می‌رود که به سمت تصمیم‌های پُرود که شاید برای دیگران غیرمعقول یا خالصاً ناکارآمد به نظر برسد.

این وضعیت به وجود آمدن چرخه‌ای معیوب را تسهیل می‌کند: نابرابری ارضی اقتصادی و اجتماعی موجب می‌شود افراد چشم‌انداز بلندمدت را از دست بدهند؛ این موضوع به اتخاذ تصمیمات تکانه‌ای و پرریسک منجر می‌شود؛ این تصمیمات اغلب شکست‌ها و مشکلات بیشتری به همراه دارد و نهایتاً فرد را در موقعیتی دشوارتر قرار می‌دهد.

فهمیدن این مکانیزم به ما یاری می‌رساند تا به جای قضاوت‌های سطحی و سریع، نگاه انسانی‌تر و عمیق‌تری به مسائل داشته باشیم. این نگاه به ویژه برای سیاست‌گذاران و مدیران اجتماعی اهمیت فراوان دارد زیرا کمک می‌کند سیاست‌هایی را طراحی کنند که به جای آسیب‌رساندن افراد، به ریشه‌های مشکلات اقتصادی و اجتماعی بپردازد.

برخی از این سیاست‌ها عبارت‌اند از: ایجاد فرصت‌های شغلی بهتر، افزایش دسترسی به آموزش و خدمات بهداشت روان، کاهش شکاف درآمدی و توزیع عادلانه تر منابع. این اقدامات می‌توانند فشار روانی بر افراد را کاهش دهند و ظرفیت تصمیم‌گیری منطقی و آینده‌نگرانه را در آنها افزایش دهند.

برگردیم به مثال زنبورها؛ آنها وقتی با کبکود و نابریز برای منابع مواجه می‌شوند، مجبور می‌شوند که ریسک کنند و به دنبال گل‌های بروند که احتمالاً شاهد نازند. ما نیز وقتی در شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیریم، رفتارهایی مشابه از خود بروز می‌دهیم. این رفتارها صرفاً نشانه تنگی یا بی‌فکری نیست، بلکه واکنش طبیعی ذهن ما در مواجهه با فشار و استرس است.

این دیدگاه می‌تواند بسیاری از رفتارهای به ظاهر مأمعول یا پرخطر افراد را توضیح دهد؛ از کسانی که در خیابان دست به دزدی یا خلاف می‌زنند گرفته تا افرادی که در محیط کار یا تحصیل تقلب می‌کنند. همه این افراد در شرایطی قرار دارند که مغزشان تحت فشار است و تصمیم‌های فوری و تکنانه‌ای اتخاذ می‌کند.

بنابراین، دفعه بعد که دیدید کسی رفتارهای پررиск یا نامطلوب از خود نشان داد، بهتر است نخست شرایط زندگی و فشارهای روانی او را در نظر بگیرید، نه اینکه صرفاً به قضاوت و سرزنش بپردازید. این نگرش می‌تواند باعث شود همدلی بیشتری نسبت به دیگران داشته باشیم و راه‌حل‌های مؤثرتر و انسانی‌تری برای حل مشکلات اجتماعی بیابیم.

اگر ما به عنوان جامعه و سیاست گذار این موضوع را جدی بگیریم، می توانیم به شرایطی دست کم رزف بر مازات و تنبیه، برنامہ رایج، سطحی کجی که برای زندگی افراد ا بهبود میبخشد. این به معنای ایجاد عدالت اقتصادی، کاهش شکاف های طبقاتی و تقویت آموزش و حمایت های روانی است. این اقدامات به ذهن انسان امکان می دهد تا از فشار و استرس مزمن رهایی یابد و تصمیم های منطقی تر و عادلانه تر اتخاذ کند.

پس، وقتی بدانیم که رفتارهای ریسک پذیر و تکانه‌ای نه صرفاً انتخاب آزاد بلکه محصول فشار و کمبود منابع است، می‌توانیم به هم یاری رسانیم تا زندگی بهتر و جامعه‌ای عادلانه‌تر بسازیم. شاید بهتر باشد ز زنبورها بیاموزیم؛ آنها در شرایط سخت ریسک می‌کنند اما ما می‌توانیم شرایط را به گونه‌ای فراهم آوریم که مجبور به اتخاذ چنین تصمیماتی نشویم.

شیر خشک ایران توان رقابت بدون وابستگی شدیده به یارانه ارزی را پیدا کند. همچنین، شفاف سازی و نظارت دقیق تر بر نحوه تخصیص و مصرف ارزهای دولتی، از سواستفاده‌ها و اتلاف منابع جلوگیری می‌کند.

❶ یارانه ارزی: ترکیب ریسک و فرصت

یارانه صادراتی شیر خشک صنعتی ایران، نمونه‌ای بارز از سیاست‌های حمایتی در اقتصاد کشور است که هم فرصت‌ها و هم ریسک‌ها را خاص خود دارد. این حمایت از بی‌بزرگ، تولید

داخلی را تقویت و صادرات را رونق داده، اما فشار بر منابع ارزی و پیچیدگی‌های مدیریتی آن را نیز نباید نادیده گرفت.

به نظر می‌رسد که آینده این بخش اقتصادی، تا حد زیادی به توانایی سیاست‌گذاران در متعادل کردن حمایت‌ها با بهره‌وری و مدیریت منابع بستگی دارد. در غیر این صورت، فشار بر منابع ارزی کشور رفته‌رفته مشکلات جدی‌تر و گسترده‌تری را به همراه خواهد داشت.

این سوال مهم مطرح می‌شود که آیا شیوه تخصیص فعلی، بهینه‌ترین روش حمایت از تولید و صادرات است یا باید به سمت مدل‌های جدیدتری حرکت کرد؟

ایجاد شفافیت در زنجیره تامین نهاده‌های خوراک دام، از هدر رفت منابع جلوگیری می‌کند. گزارش‌ها و بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد بخشی از نهاده‌ها به جای رسیدن به تولیدکننده واقعی، وارد بازار سیاه شده یا با نرخ آزاد فروخته می‌شوند که نتیجه آن کاهش اثر بخشی یارانه‌ها است.

تفاوت نرخ ارز نیمایی (حدود ۲۸ هزار تومان) و
ارز بازار آزاد (حدود ۸۵ هزار تومان) یک چالش
اساسی است که تاثیر مستقیم بر صادرات دارد.

تولید کنندگان شیر خشک با استفاده از ارز دولتی نهاده خود را تامین می کنند و محصول نهایی را با قیمت های جهانی و به دلار صادر می کنند. این تفاوت نرخ ارز باعث می شود که صادرات شیر خشک سودآور و حتی جذاب باشد؛ اما این جذابیت به قیمت فشار بر منابع ارزی کشور تمام می شود.

❶ یارانه ارزی و بازار داخلی لبنیات
بخش دیگری از موضوع یارانه ارزی مربوط به بازار داخلی است. قیمت لبنیات در ایران، به رغم افزایش نرخ ارز و تورم میانی ارزی، به دلایل مختلف از جمله همین یارانه‌ای‌ها و کنترل‌های دولتی نسبتاً ثابت مانده است. این موضوع باعث شده که مصرف‌کنندگان داخلی از لبنیات ارزان‌تر نسبت به بازارهای منطقه بهره‌مند شوند، اما در عین حال تولیدکنندگان داخلی تا حد زیادی وابسته به این حمایت‌ها باشند.

از سوی دیگر، واردات محصولات لبنی به دلیل تعرفه‌ها و سیاست‌های حمایتی محدود شده و این فرصت را برای تولید داخلی فراهم کرده که بازار خود را حفظ کند. اما این حمایت‌ها نیز هزینه‌هایی دارد که شاید در بلندمدت بر سلامت اقتصادی این صنعت تأثیر گذار باشد.

🔴 **نگاهی به آینده: راهکارهای پایداری**

برای حفظ و تقویت صادرات شیر خشک و صنعت لبنیات ایران، علاوه بر حفظ بازاریانهای ارزی فعلی، باید راهکارهای پایداری را نیز دنبال کرد. این راهکارها شامل افزایش بهره‌وری و کاهش هدررفت نهاده‌ها از طریق به‌کارگیری فناوری‌های نوین در تولید و مدیریت زنجیره تأمین، توسعه بازارهای جدید صادراتی با تمرکز بر کیفیت محصول و استانداردهای بین‌المللی، اصلاح سیاست‌های ارزی به گونه‌ای که ضمن حفظ حمایت‌ها، فشار بر منابع ارزی به حداقل برسد، ارتقای شفافیت و نظارت بر تخصیص و مصرف با نهاده‌ها، حمایت از تحقیق و توسعه برای تولید نهاده‌های خوراک دام به صورت داخلی و کاهش وابستگی به واردات و تقویت زیرساخت‌های لجستیک و حمل و نقل برای کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت صادرات است.

تخصیص ارز به نرخ رسمی
برای تامین نهاده‌های
خوراک دام، فشار قابل
توجهی بر منابع ارزی
محدود کشور وارد
می‌کند و مدیریت آن با
نوسانات نرخ ارز آزاد،
پیچیدگی‌های فراوانی
دارد. به‌ویژه آن که
صادرکنندگان شیر خشک
صنعتی، با ترنندهای
مختلفی از بازگشت سریع
و کامل ارز صادراتی خود
طفره می‌روند و نرخ پایه
۴۰۰ دلار برای هر تن را
نامناسب می‌دانند

اقدامات در کنار مدیریت هوشمندانه و سیاست گذاری مناسب، زمینه ساز جهشی بدار در صنعت لبنیات و به ویژه شیر خشک آن می شود و ارزش افزوده و ارزش آوری کشور افزایش می دهد.

فرصت یا چالش؟
 انه ارزی نهاده‌های خوراک دام که بخش
 مده‌ای از تولید شیر خشک صنعتی را تحت
 بیر قرار داده، از یک سو فرصتی برای رونق
 ادات و ارزآوری است و از سوی دیگر، چالشی
 ی مدیریت منابع ارزی محدود کشور.

نوع محصول	مقدار
صادرات شیر خشک صنعتی	تقریباً ۱۰۰۰
واردات ذرت دامی	۱۰۰۰

نوع محصول	مقدار (تن)	ارزش تقریبی (میلیون دلار)	توضیحات
صادرات شیر خشک صنعتی	تقریباً ۱۴۱,۰۰۰ تن ^۱	حدود ۳۷۰ میلیون دلار ^۲	سهم شیر خشک صنعتی از کل صادرات لبنی (۲۴ درصد وزنی، ۳۹ درصد ارزشی)
واردات ذرت دامی	۷,۱۹۹,۰۰۰ تن	-	از کل نهاده‌های دامی وارداتی
واردات جو دامی	۱,۷۶۴,۰۰۰ تن	-	از کل نهاده‌های دامی وارداتی
واردات کنجاله سویا	۲,۶۷۲,۰۰۰ تن	-	از کل نهاده‌های دامی وارداتی
واردات دانه سویا	۱,۶۹۷,۰۰۰ تن	-	از کل نهاده‌های دامی وارداتی
مجموع واردات نهاده‌های دامی	۱۶,۳۵۱,۷۹۴ تن	-	شامل ذرت، جو، کنجاله و دانه سویا
ارز تخصیص یافته برای واردات نهاده‌ها	-	۵۰۹۵ میلیون دلار	ارز تخصیص یافته به نرخ ترجیحی

۱- مقدار تقریبی از سهم ۲۴ درصد وزنی صادرات لبنی که کل صادرات لبنی ۵۸۷,۳۴۷ تن بوده است
۲- ارزش تقریبی از سهم ۳۹ درصد ارزشی صادرات لبنی که کل صادرات لبنی ۹۴۸,۹ میلیون دلار بوده است
با توجه به نواقص آماری سال ۱۴۰۳، این جدول با آمار ۱۴۰۲ تنظیم شده است.

خدا حافظ ینیر

قیمت شیر خام به ۲۳ هزار تومان رسید و زمینه ساز گرانی گسترده لبنیات شد

در روزهایی که جیب مردم با هجوم تورم و قیمت‌های بی‌ثبات، بیش از همیشه خالی شده، حالا خبر افزایش ۴۰ درصدی قیمت لبنیات و هم به دغدغه‌های معیشتی افزوده است. با تصمیم تازه دولت و افزایش قیمت شیر خام و چربی مازاد، شرکت‌های لبنی گویا محصولات خود را بر اساس هزینه تولید، آذانه قیمت‌گذاری کرده‌اند. مهم‌ترین عامل این افزایش قیمت، رشد بهای شیر خام است. در بازترین مصوبه دولت، قیمت هر کیلوگرم شیر خام در دامداری به ۲۳ هزار تومان رسیده، چربی مازاد هم پانزده ۵۰ درصدی همراه شده است. این افزایش قیمت‌کنندگان لبنیات می‌گویند موج گرانی نخست، شیر و ماست را می‌گیرد و با کمی تأخیر، سراغ محصولات چون پنیر و پنیر پیتزا می‌رود. البته در روزهای آینده، همچنان برخی محصولات ترابری‌های بیشتری روی می‌آیند، فروشگاه‌ها قرار دارند که مبنای خود بر حسب‌بهای قیمت جدید، چربی و یخچال‌ها را تغییر خواهد داد. در این میان، آشنیگی بازار و نبود مصوبه رسمی برای یکه‌پای محصولات لبنی، به سردرگمی بیشتر دامن زده است. وزارت جهاد کشاورزی، با اعلام قیمت جدید شیر خام، عملاً جرقه افزایش قیمت‌ها را زد اما هنوز نرخ‌های مصوب لبنیات را رسماً ابلاغ نکرده است. اتحادیه تعاونی‌های فراورده‌های لبنی تأکید می‌کند که بدون مصوبه، هر گونه افزایش قیمت قانونی نیست. اما واقعیت یک بازار چیز دیگری است: شیر و ماست و پنیر، بی‌اعتنا به نرخ‌های رسمی، هر روز گران‌تر می‌شوند و شرکت‌ها به استناد افزایش هزینه‌ها، آذانه دست به قیمت‌گذاری می‌زنند. این وضعیت، چالش جدی برای دولت و مصرف‌کننده رقم زده است. از یک سو، تولیدکنندگان به افزایش قیمت نهاده‌ها و هزینه‌های مواد اولیه، چاره‌ای جز ارزان کردن مصرف‌کننده نایافته‌ها ندارند؛ از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان به‌ویژه اقشار کم‌درآمد، با افزایش قدرت خرید باز نبردند و با سهم لبنیات را در سبد غذایی خود کاهش دهند، یا به سراغ محصولات بی‌کیفیت‌تر بروند. این میان، مسئله حمایت از سفره مردم و سلامت جامعه، بیش از هر زمان دیگری بر جسته شده است. لبنیات، ستون فقرات تغذیه سالم خانوار ایرانی است و کاهش مصرف آن، رنگ خطر جدی برای سلامت نسل آینده خواهد بود. در غیاب نظارت کارآمد و سیاست حمایتی موثر، نه تولیدکننده دلخوش به پنده است و نه مصرف‌کننده، آسوده‌خاطر از فردا. بازار لبنیات، به انتظار تصمیم‌های جدی و مدبرانه نشسته؛ تصمیم‌هایی که بتواند پدید مداوم تولید را متوقف کند، هم سفره مردم را از خطر فقر تغذیه‌ای نجات دهد. افزایش قیمت لبنیات از زمانی است برای میزان عزم سیاست‌گذاران در برقراری تعادل میان منافع تولیدکننده و مصرف‌کننده، بازاری که اگر بیش از این رها شود، سودی برای هیچ‌کس جز دلالان نخواهد داشت و آسیب‌هایش، تا سال‌ها آینده سلامت جامعه را تهدید خواهد کرد.

طبل جنگ در تنگه تایوان

نشانه‌های هشداردهنده از آمادگی چین برای حمله به جزیره خودگردان مورد مناقشه به چشم می‌خورد



رامتین لطیفی
دبیر سرویس بین الملل

در حالی که تنش‌های میان ایالات متحده و چین بر سر تایوان به اوج رسیده، نشانه‌های فزاینده‌ای از آمادگی نظامی چین برای تهاجم به این جزیره خودگردان دیده می‌شود؛ آمادگی همه‌جانبه‌ای که نه‌فقط در افزایش تحرکات نظامی، بلکه در تغییرات ساختاری و راهبردی ارتش خلق چین نمود یافته است. در جریان نشست امنیتی شانگهای -۷۰ در سنگاپور، پیت هگزرت، وزیر دفاع ایالات متحده، چین را «تهدیدی واقعی و بالقوه فوری» برای ثبات آسیا توصیف کرد و گفت پکن به‌گونه‌ای باورپذیر در حال آماده‌سازی برای اقدام نظامی است. این اظهارات، واکنش تند وزارت خارجه چین را در پی داشت که آمریکا را به «بازی با آتش» متهم کرد و هشدار داد که مسئله تایوان یک موضوع داخلی چین است و نباید به‌هرمی برای مهار این کشور بدل نشود. اما واری جنگ لفظی، نشانه‌های میدانی نیز حکایت از روندی خطرناک دارند.

بر پایه گزارش‌های مشترک مقام‌های نظامی تایوان و ایالات متحده، ارتش چین در سال‌های اخیر گام‌هایی چشمگیر برای افزایش توان تهاجمی خود علیه تایوان برداشته است؛ گام‌هایی که فاصله میان وضعیت عادی و آغاز یک جنگ را به حداقل رسانده‌اند. به گفته یکی از مقام‌های ارشد نظامی تایوان، یگان‌های هوایی و موشکی چین که در هر گونه عملیات علیه تایوان نقش کلیدی خواهند داشت، به سطحی از آمادگی رسیده‌اند که می‌توانند «در هر لحظه از وضعیت صلح به وضعیت جنگی»

ینگه دنیا

جهان پشت دیوار

در ۱۰۰ روز نخست ۲۰۲۵، دونالد ترامپ با اعمال تعرفه‌های سنگین بر چین و متحدان، نظم تجاری جهان را به سمت دوقطبی‌سازی بی‌سابقه‌ای سوق داد

در بهار ۲۰۲۵، دولت ترامپ نسخه تازه‌ای از سیاست‌های حمایت‌گرایانه‌اش را با عنوان «روز رهایی» آغاز کرد؛ برنامه‌ای با هدف بازگرداندن مشاغل تولیدی به خاک آمریکا و مقابله با آنچه «سوءاستفاده از تجارت آزاد» می‌نامد. تعرفه پایه ۱۰ درصدی بر واردات همه کشورها و نرخ‌های بالاتر، تا ۱۴۵ درصد برای چین، نقش آمریکا در اقتصاد جهانی را بازتعریف کرده است. ترامپ که در کمپین انتخاباتی‌اش وعده کاهش کسری تجاری ۹۷۱ میلیارد دلاری آمریکا را داده بود، اکنون با ابزار تعرفه، جریان سرمایه و زنجیره‌های تأمین را به سمت داخل هدایت می‌کند. این سیاست‌ها که با استدلال «امنیت اقتصادی»، «حفظ اشتغال» و مبارزه با قاچاق فنتانیل از مسیرهایی چون مکزیک و کانادا توجیه می‌شوند، هدفی راهبردی‌تر را دنبال می‌کنند: آغاز دوران دوقطبی تجاری با آمریکا و چین در دو سوی خط تقابل.

دیپلماسی از مسیر فشار

تجربه تعرفه‌های سال ۲۰۱۸ نشان داده بود که چین با صادرات غیرمستقیم از طریق کشورهایی چون مکزیک، ویتنام و ژاپن از فشارهای گریزد. این بار، کاخ سفید پیش‌دستی کرده و این کشورها را نیز هدف قرار داده است. مکزیک با

کیوسک

نیویورک تایمز، عکس و تیتراژی اصلی خود را به ایلان ماسک و کناره‌گیری او از دولت ترامپ اختصاص داد و در گزارشی افزایش میزان اعتیاد او به کتامین نوشت.

نیویورک پست، عکس و تیتراژی اصلی خود را به گزارشی از دیرتامن پلیس نیویورک اختصاص داد و از افزایش ۶۳ درصدی حملات شهروندان به مأموران پلیس در پی افزایش جمعیت مهاجران نوشت.

تایوان مستقرند؛ آرایشی که می‌تواند ظرف چند ساعت به حالت محاصره کامل تغییر وضعیت دهد. از منظر ساختاری، اصلاحات نظامی شی جین‌پینگ نقش کلیدی داشته‌اند. او از سال ۲۰۱۵ ساختار ارتش را بازسازی کرده و یگان‌های بزرگ زمینی را به یگان‌های کوچک‌تر و چابک‌تر تبدیل کرده است. دست‌کم شش تیپ آبی-خاکی ترکیبی اکنون در سواحل روبه‌روی تایوان مستقرند. این تیپ‌ها دارای تجهیزات متنوع، قابلیت شناسایی مستقل و تسلیحات گسترده‌تری هستند و توانایی اجرای حمله را بدون نیاز به آمادگی طولانی مدت دارند. سامانه پرتاب موشک‌های چندگانه پی‌سی‌ج ۱۹۱ که نخستین‌بار پس از سفر نانسی پلوسی به تایوان در سال ۲۰۲۲ استفاده شد، اکنون در سراسر سواحل چین مستقر شده است. این موشک‌ها می‌توانند نقش دوگانه‌ای در حمله ایفا کنند: نخست برای تضعیف

تغییر وضعیت دهند. تمرین‌های بی‌وقفه نیروهای آبی-خاکی در نزدیکی بنادر خروجی، استقرار مداوم یگان‌های بالگردی برای پیاده‌سازی نیرو و به‌کارگیری سامانه‌های موشکی با برد ۳۰۰ کیلومتر که سراسر تایوان را پوشش می‌دهند، از جمله این نشانه‌ها هستند. از سوی دیگر، ورود جنگنده‌های ارتش چین به منطقه شناسایی پدافندی تایوان که پیش‌تر به کمتر از ۱۰ بار در ماه محدود می‌شد، اکنون به بیش از ۲۴۵ نوبت در ماه رسیده است. همچنین عبور از خط میانی تنگه تایوان که تا پیش از این مرز نانوشته‌ای میان دو طرف بود، به‌طور میانگین ۱۲۰ بار در ماه گزارش شده است. در یک مورد بی‌سابقه، تنها در یک روز ۱۵۲ پرواز نظامی در نزدیکی تایوان انجام شد. چین همچنین شعاع عملیاتی نیروی هوایی خود را با بهره‌گیری از جنگنده‌های جدید مانند جی ۱۰، جی ۱۱، جی ۱۶ و جی ۲۰ و هواپیماهای سوخت‌رسان وای ۲۰ گسترش داده است. این هواپیماها اکنون قادرند بدون نیاز به سوخت‌گیری در پایگاه‌های ساحلی، به‌طور مستقیم از پایگاه‌های داخلی چین به تایوان برسند. در حوزه دریایی نیز ارتش آزادی‌بخش خلق چین از سال ۲۰۲۲ تاکنون حضوری چرخشی در تنگه میاکو و کانال باشی برقرار کرده؛ گذرگاه‌هایی راهبردی که تنها مسیرهای دسترسی چین به اقیانوس آرام محسوب می‌شوند. به گفته یانگ تای‌یوان، مربی پیشین فرماندهی نیروی زمینی تایوان، هدف از این آرایش دریایی، جلوگیری از محاصره احتمالی ناوگان چین در صورت آغاز جنگ است. افزون بر این، حدود دوازده کشتی جنگی و گارد ساحلی چین به‌طور دائم در پیرامون



تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر خودروها و قطعات و ژاپن و کره جنوبی با تعرفه‌های بالای ۲۰ درصد روبه‌رو هستند. حتی کشورهای اروپایی که پیش‌تر معاف بودند، اکنون باید بین وفاداری به آمریکا یا تجارت آزاد با چین یکی را انتخاب کنند. واشنگتن در مذاکرات اخیر با بریتانیا، کانادا و اتحادیه اروپا، خواهان محدودیت دسترسی چین به فناوری‌های حساس، شبکه‌های بانکی و بازارهای مصرف غربی شده است. این شرایط برای کشورهای ثالث شبیه یک اولتیماتوم است: یا در مدار آمریکا بمانید و از مشوق‌ها بهره‌مند شوید، یا با چین بمانید و با تعرفه و فشار مواجه شوید. این استراتژی، اگرچه از منظر واشنگتن یک بازی برد-برد به نظر می‌رسد، خطر تضعیف روابط با متحدان سنتی را در پی دارد. اعتراض رسمی بروکسل، هشدار توکیو و تهدید برلین به اقدامات تلافی‌جویانه، نشانه‌هایی از این شکاف فزاینده‌اند.

بازارهای نگران، چین مقاوم

در هفته‌های نخست اجرای تعرفه‌ها، بازارهای مالی با کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران مواجه شدند. شاخص «اس اند پی ۵۰۰» در آمریکا ۴.۲ درصد و نیکی ۲.۵ درصد از این درصد کاهش یافتند و

چهارکوشه دنیا



مایکل سی. هال در نقش دکستر مورگان، قاتل زنجیره‌ای محبوب، در اولین تریلر منتشر شده از سریال «دکستر: رستاخیز» بار دیگر قلب هواداران را تسخیر کرد. این سریال که بازگشت هیجان‌انگیز دکستر را پس از پایان جنجالی «دکستر: خون تازه» نوید می‌دهد، با حضور ستارگانی چون اوما تورمن، کریستن ریتر و پیتر دینکلیج، معمای تاریک و پرتنش را رقم می‌زند. تریلر، دکستر را در دنیایی پر از رازهای مرگبار و شخصیت‌های مرموز نشان می‌دهد. سوالی که هم‌زمان با انتشار تریلر این سریال در شبکه اجتماعی داغ شد این بود که «آیا او می‌تواند کد اخلاقی خود را حفظ کند؟» «دکستر: رستاخیز» از ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۵ در پارامونت پلاس و شوتایم پخش می‌شود.

عکس روز

«بازی مرکب»، پرده آخر

این سریال محبوب و جنجالی با فصل سوم به کار خود پایان می‌دهد



تریلر هیجان‌انگیز فصل سوم و پایانی سریال کره‌ای «بازی مرکب» (Squid Game) در رویداد تودوم نتفلیکس رونمایی شد و هواداران را در بهت و حیرت فرو برد. این سریال که با فصل اول خود در سال ۲۰۲۱ جهان را تسخیر کرد و به پربیننده‌ترین سریال تاریخ نتفلیکس با ۱۶۵ میلیارد ساعت تماشا تبدیل شد، حالا با وعده پایانی نفسگیرش به صدر اخبار بازگشته است. فصل دوم این سریال با ۶۸ میلیون بیننده در چهار روز، موفقیتی چشمگیر اما کم‌فروغ‌تر از فصل اول داشت و با امتیاز ۸۳ درصد در «راتن تومیتوز» در مقایسه با ۹۵ درصد فصل اول، نشان داد که انتظارات بالای مخاطبان همچنان چالش‌برانگیز است.

حدود مورد استقبال قرار گیرد و فشار بر وی برای حفظ ریتم و جذابیت او را به دردمسرها انداخته است. این اظهارات، شایعاتی درباره فشارهای نتفلیکس برای ادامه این فرانچایز پرسود را تقویت کرده است. با این حال، هواداران امیدوارند که دوگ هیوک تمام توان خود را برای خلق پایانی به‌یادماندنی به کار گرفته‌باشد.

* نکته کنجکاوی‌برانگیز

شایعاتی در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در پلتفرم ایکس، درباره احتمال حضور یک سلبریتی هالیوودی به‌صورت غافلگیرکننده در این فصل مطرح شده است. آیا این شایعه صحت دارد یا صرفاً ترفندی برای جلب توجه بیشتر است؟ برای کشف حقیقت، باید تا تابستان صبر کنیم.

چرا باید منتظر فصل سوم باشیم؟

فصل سوم نه‌تنها به دلیل داستان‌سرایی جسورانه و نقد اجتماعی تندوتیز «بازی مرکب» که نابرابری‌های اقتصادی و نظام سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد، بلکه به خاطر جلوه‌های بصری خیره‌کننده و بازی‌های درخشان بازگرانش، یکی از



دختر مرموز شی جین‌پینگ در آمریکا: راز هاروارد فاش شد؟



جنجال تازه‌ای در آمریکا به پا شده: لورا لومر، فعال راست‌گرای افراطی که رسانه‌ها از او به عنوان معشوقه ترامپ یاد می‌کنند، خواستار اخراج شی مینگزه، تنها دختر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، از خاک آمریکا شده است. لومر در شبکه ایکس ادعا کرد مینگزه، فارغ‌التحصیل روانشناسی هاروارد در سال ۲۰۱۴، همچنان در ماساچوست تحت حفاظت کاردهای نظامی چین زندگی می‌کند اما هیچ مدرکی حضور او را تأیید نمی‌کند و نیویورک در ۲۰۱۵ گزارش داد که او به چین بازگشته است. این ادعا پس از اعلام مارکو روبیو، وزیر امور خارجه، مبنی بر لغو ویزای دانشجویان چینی مرتبط با حزب کمونیست یا حوزه‌های حساس علمی، شدت گرفت. لومر با تک‌کردن مقامات ارشد دولت ترامپ، از جمله رئیس‌جمهور و وزرای دفاع و امنیت داخلی، سعی در ترند کردن این موضوع دارد. هم‌زمان، دولت ترامپ هاروارد را به همکاری با حزب کمونیست چین متهم کرده و مجوز پذیرش دانشجویان بین‌المللی آن را لغو کرده است، هر چند این تصمیم با حکم دادگاه متوقف شد. شی مینگزه، متولد ۱۹۹۲، زندگی مجرمانه‌ای دارد و در سال ۲۰۱۰ با نامی جعلی وارد هاروارد شد. شایعات تا تأیید نشده‌ای از بازگشت او برای تحصیلات تکمیلی در ۲۰۱۹ وجود دارد، اما محل اقامت کنونی‌اش همچنان مبهم است. این جنجال، در بحبوحه تنش‌های آمریکا و چین بر سر ویزای دانشجویان، به معمای سیاسی تبدیل شده که توجه‌ها را به خود جلب کرده است.

تلوزیون

بررسی کمدی سیاسی در سینمای ایران با تمرکز بر فیلم «صددام»؛ نقد جریان‌های رایج و ظرفیت‌های فراموش‌شده طنز

«صددام»، فیلمی از جنس فرصت‌سوزی

● کمدی، صرفاً برای خنداندن نیست. امکان تابوشکنی، آشنایی‌زدایی و غافلگیری برای نگاه تازه بخشیدن به مخاطب است

● کمدی‌های رایج سال‌های اخیر با تکرار نوستالژی‌های دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و باز تولید کلیشه‌های نخ‌نما شده تلاش می‌کنند مخاطب را بخندانند



«یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها در این زمینه، «دیکتاتور بزرگ» (The Great Dictator) ساخته چارلی چاپلین است؛ اثری محصول ۱۹۴۰ که در میانه جنگ جهانی دوم و با الهام از آدولف هیتلر ساخته شد. چاپلین با خلق شخصیتی کمیک از یک رهبر فاشیست، نه تنها نظم سیاسی آن زمان را به سخره گرفت، بلکه با سخنانی نهایی‌اش، به سینما و جبهه‌ای انسانی، ضد جنگ و آزادی خواهانه بخشید.



«در ادامه همین مسیر، «بودن یا نبودن» (To Be or Not to Be) اثر ارنست لوبیچ در ۱۹۴۲، با روایت داستان یک گروه تئاتری لهستانی که خود را در دل اشغال نازی‌ها می‌یابد، موفق شد ترکیبی بی نظیر از طنز و تهدید ایجاد کند. لوبیچ با سبک منحصر به فردش، قدرت تمسخر آلمان نازی را به‌عنوان سلاحی علیه استبداد به نمایش گذاشت.

«نمونه معاصر این جریان را می‌توان در «مرگ استالین» (The Death of Stalin) در ۲۰۱۷ ساخته آرماندو یانوپچی دید؛ فیلمی سیاه و گزنده درباره رقابت رعب‌آور و



همزمان خنده‌آور چهره‌های حزب کمونیست برای جانشینی استالین است که آشفتنگی‌های رژیم شوروی را به تصویر می‌کشد.



«از سوی دیگر، تایکا وایتیتی در «جو جو خرگوشه» (Jojo Rabbit) در سال ۲۰۱۹ روایتی کودکانه و در عین حال عمیق از آموزه‌های نازیستی را در قالب طنزی نرم و تأثیرگذار ارائه داد. نسخه خیالی هیتلر که در ذهن یک پسر بچه زندگی می‌کند، ابزاری برای تحلیل ساده‌انگارانه ایدئولوژی‌های مخرب و نیز مواجهه انسانی با دیگری است.



در ایران. این دو خط نه تنها به درستی به هم تنیده نمی‌شوند، بلکه به شکلی کارشکنانه در برابر پیشبرد یکدیگر عمل می‌کنند.

سرگردانی مخاطب از خشونت و شوخی

در ادامه، تلاش فیلم برای ورود به فضای کمدی اکشن و کمدی رمانتیک هم با فقدان منطق روایی، شوخی‌های سطحی و موقعیت‌های تصنعی روبه‌روست. ورود شخصیت شکنجه‌گر (آزاده صدی) در ترکیب با ماجرای عاشقانه بدل صدام و معشوقه‌اش (پریناز ایزدیار)، ترکیبی است از بی‌هدفی، خشونت بی‌معنا و شوخی‌های بی‌جان. مخاطب به جای آن که بخندد، سرگردان است. ریتم فیلم فاقد اوج و فرود دراماتیک است؛ هیچ صحنه‌ای به لحاظ حس و شدت دراماتیک از صحنه‌ای دیگر برتر نیست و تمام فیلم، مجموعه‌ای از تپه‌های هم‌سطح و یا نقاط دراماتیک همسان است.

فیلمنامه ناتوان از ساخت میان‌ژانری

فیلمنامه نیز به‌رغم تلاش برای تلفیق ژانرها، هیچ‌گاه موفق به خلق یک فضای میان‌ژانری نشده است. در جایی که باید نقد تاریخی یا بازخوانی خشونت سیاسی شکل بگیرد، فقط تصویرهای آزاددهنده می‌بینیم. خشونت‌هایی که مخاطب را پس می‌زنند، نه به خاطر جسارت، بلکه به دلیل عدم توجیه و تناسب.

نقد دیکتاتور یا عشق ساده؟

همچنین روایت در توسعه شخصیت‌ها و ادغام آنها با روایت تاریخی پس زمینه دچار اختلال است! حضور رضا عطاران، که معمولاً تقصیم خنده برای مخاطب است، نیز در اینجا کارکردی نصفه‌نیمه دارد. رابطه عاطفی او با نامزدش (با بازی پریناز ایزدیار)، در سطح می‌ماند و تنها پهنه‌ای می‌شود برای چرخیدن پیرنگ در چند موقعیت مکانی. از طرف دیگر، شخصیت بدل صدام به جای آن که لایه‌دار یا نمادین باشد، در حد یک تیپ باقی می‌ماند. حتی شوخی‌هایی که با تاریخ سیاسی می‌شود، یا سطحی‌اند یا فاقد ضرب طنز هستند. در چنین شرایطی، فیلم میان دو هدف متضاد گیر کرده: از یک سو می‌خواهد روایتگر یک عشق ساده و بی‌پریای باشد، و از سوی دیگر، قصد دارد دست به نقد یک ساختار دیکتاتوری در تاریخ معاصر بزند. اما نه در عشق توقیفی دارد، نه در طنز سیاسی.

وقتی لقمه‌ای چون صدام حسین بزرگ می‌شود!

به بیان دیگر، فیلمنامه از ابتدا لقمه‌ای بزرگ‌تر از ظرفیت اجرایی‌اش بر داشته است؛ شوخی با چهره‌ای مانند صدام حسین، نیازمند فضایی قوی‌تر در طراحی موقعیت، ظرافت در خلق طنز و دقت در ضرب‌آهنگ درام دارد. اما فیلم، هم در انتخاب فرم و هم در پیشبرد روایت، گرفتار پراکندگی و ناپختگی است.

تقلای پرادعا و بی‌نتیجه

فیلم «صددام» تجربه‌ای ناپخته در حوزه کمدی سیاسی است. تجربه‌ای که جسارتش در انتخاب سوژه، زیر سایه فقدان انسجام، تقلب روایی و شخصیت‌پردازی کارآمد قرار می‌گیرد در مقایسه با فیلم‌های جهانی این‌ژانر، «صددام» در سطحی‌ترین نقطه باقی می‌ماند. در حالی که طنز سیاسی اگر جسور و اندیشمندانه باشد، می‌تواند تاریخ را از نو روایت کند، اما در اینجا، فقط با تقلایی پرادعا و بی‌نتیجه مواجهیم.



«صددام» در دام تقلید سطحی

تمام این آثار، با لحن‌ها و شیوه‌های متفاوت، یک کارکرد مشترک دارند. فروکاست چهره‌های ترسناک قدرت به ابزاری برای خنده‌ای هوشمندانه و ایجاد تفکری رای‌بخش و نقدی غیرمستقیم اما موثر برای طبقه متوسط. کمدی در این فیلم‌ها صرفاً برای خنداندن نیست؛ بلکه دستاویزی برای مقاومت در برابر ترس از سلطه است. در این میان، فیلم‌هایی که تنها به تقلید سطحی از این آثار بسنده کنند، بدون درک کارکرد انتقادی طنز سیاسی، نه به شوخی موفق‌ی تبدیل می‌شوند و نه به نقدی درخور. فیلم «صددام» نمونه‌ای از همین کارکردی است. اثری که تلاش می‌کند در مسیر طنز سیاسی قدم بردارد، اما نه جسارت چاپلین را دارد، نه دقت یانوپچی را و نه حتی ساختار روایی درستی برای ایجاد شوخی‌های موثر.

مسیر اشتباه در انتخاب ساختار و مضمون

فیلم «صددام» تازه‌ترین تجربه کارگردانی پدرام پورامیری است. فیلم‌سازی که پیش‌تر با نویسندگی مشترک فیلمنامه‌هایی چون؛ «شنای پروانه»، «یاغی» و «سریال «افرا» موفق شد توجه بسیاری از منتقدان و مخاطبان را جلب کند. «شنای پروانه» به کارگردانی محمد کارت، نمونه‌ای موفق از همکاری میان فیلمنامه‌نویس و کارگردان بود؛ فیلمی که هم از نظر ساختار درام و هم پرداخت شخصیت‌ها، انسجامی چشمگیر داشت. این فیلم به‌واسطه داستان جذاب و ضرباهنگ قوی‌اش توانست جایگاه ویژه‌ای در میان آثار سینمای اجتماعی ایران پیدا کند، اما نکته‌ای که این وضعیت را پیچیده می‌کند، سابقه کاری فیلم‌ساز در ژانرهای متعدد و عدم تثبیت زبان سینمایی اودر کارگردانی است. به نظر می‌رسد فیلم «صددام» پدرام پورامیری هم در تله بلندپروازی‌های ناپخته گرفتار شده، فیلمنامه‌ای که قصد دارد شوخی با تاریخ و سیاست را به طنزی موثر تبدیل کند، اما در مرحله اجرا، میان جسارت و خام‌دستی معلق می‌ماند.

کمدی‌ای که از ژانر فرار می‌کند

فیلم «صددام» با ادعای ورود به ژانر کمدی سیاسی، در سطحی‌ترین و در عین حال پُرمدعاترین حالت ممکن، با موضوعی مواجه می‌شود که جسارت در پرداختش را شاید بتوان نقطه قوت اولیه‌اش دانست. شوخی با چهره‌ای مخوف و تاریخ‌ساز چون صدام حسین! در نگاه نخست، انتخاب چنین سوژه‌ای می‌تواند ما را به یاد سنت فیلم‌هایی ببندازد که در سینمای جهان، بسا نگاهی طنزآلود به سراسر دیکتاتورها رفته‌اند؛ اما تفاوت دقیقاً از همین جا آغاز می‌شود، در حالی که فیلم‌های نامبرده توانسته‌اند ساختاری منسجم، موقعیت‌سازی کمدی و در عین حال نقدی هوشمندانه را در بطن خود جای دهند، «صددام» نه تنها در ایجاد موقعیت طنز ناکام می‌ماند، بلکه از همان ابتدا دچار گسست روایی، پراکندگی ژانری و بحران لحن است. حتی در عنوان فیلم نیز، نوعی بازی زبانی کم‌رقم و نارسا وجود دارد؛ «صددام» که احتمالاً قرار است هم‌زمان به «صدام» و «صد دام» (به معنای تله‌های مختلف) ارجاع دهد، از ابتدا مسیری پیچیده، چندلایه و غیرشفاف برای مخاطب می‌سازد، بی‌آن‌که در متن فیلم آن را به شکل خلاقانه‌ای بازآفرینی کند.

دو خط داستانی موازی بدون تنیدگی

در بدنه روایی، فیلم با دو خط داستانی موازی پیش می‌رود. یکی روایت صلاح، بدل صدام (با بازی رضا عطاران) و دیگری عشق نافر جامش

سمیه خاتونی هفت صبح



وقتی تصمیم می‌گیریم یک فیلم کمدی بسازیم، اولین پرسش این است: مواد لازم برای خلق یک کمدی چیست؟ پاسخ معمولاً ما را به سمت فرمول‌های آشنا سوق می‌دهد؛ فرمول‌هایی که در سینمای ایران بارها آزموده شده‌اند. حضور یک بازیگر شناخته شده که توانایی اجرای موقعیت‌های طنز را داشته باشد، داستانی که حول محور روابط عاشقانه (ترجیحاً مثلثی) شکل بگیرد و مجموعه‌ای از موقعیت‌های خاص که مخاطب را به خنده وادارند.

داستان پردازی کمدی: تقلیل گذر موقعیتی

این عناصر، اغلب جایگزین یک داستان پردازی عمیق و معنادار می‌شوند. در واقع، در بسیاری از کمدی‌های ایرانی، داستان نه تنها نقشی کلیدی ایفا نمی‌کند، بلکه به ابزاری برای گذر از یک موقعیت کمیک به موقعیتی دیگر تقلیل پیدا می‌کند؛ بی‌آنکه تلاشی برای پرداخت مضمون یا تأمل بر مسئله‌ای اجتماعی یا فرهنگی صورت گیرد. این در حالی است که به‌مثابه ساختار روایی، فیلمنامه کمدی نه تنها در به کارگیری عناصر تفاوتی با ساختار درام ندارد بلکه به دلیل وارانه‌سازی سخت‌ترند. به‌طور مثال سفر قهرمانی در کمدی بر دوش ناقهرمانی است که اتفاقاً به دلیل حماقت در هر مرحله از هدفش دور تر می‌شود.

کمدی؛ ظرفیت نه‌دای تابوشکنانه

یکی از ظرفیت‌های اصلی ژانر کمدی، امکان تابوشکنی است؛ یعنی مواجهه نقادانه با هنجارها و ساختارهای تثبیت شده اجتماعی. کمدی، برخلاف تصور رایج، صرفاً برای خنداندن مخاطب ساخته نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند از طریق تابوشکنی، آشنایی‌زدایی و غافلگیری مخاطب را به نگاهی تازه برساند. این روند معمولاً به این شکل است: ابتدا مسئله‌ای آشنا و تثبیت شده از زاویه‌ای غیرمنتظره به تصویر کشیده می‌شود، سپس با نوعی بازی یا وارونه‌سازی، واکنش تعجب‌آمیز مخاطب برانگیخته می‌شود و درنهایت واکنش غافلگیرانه شخصیت مخاطب را به خنده وامی‌دارد. فیلم‌هایی مانند «مارمولک» (با محوریت شوخی با نهاد روحانیت) یا «لیلی با من است» (با شوخی با گفت‌وتمان دفاع مقدس)، نمونه‌های موفق‌ی از بهره‌گیری از این ظرفیت کمدی در سینمای ایران هستند. در این آثار، کمدی فراتر از سرگرمی، به ابزار پرسش‌گری و نقد اجتماعی تبدیل می‌شود.

نوستالژی؛ بن‌مایه تولید کلیشه‌های نخ‌نما

اما در مقابل، بسیاری از کمدی‌های رایج سال‌های اخیر، صرفاً با تکرار نوستالژی‌های دهه‌های ۵۰ و ۶۰ یا بازتولید کلیشه‌های نخ‌نما شده، تلاش می‌کنند مخاطب را بخندانند. جریانی که شاید با فیلم‌هایی نظیر «پوپک و مش ماشالله» و «هنگ عنبیر» ۱ و ۲ آغاز شد و بعدها به شکل موجی از کمدی‌های سطحی و بی‌رُمق ادامه پیدا کرد؛ آثاری که به‌جای شوخی با ساختار، صرفاً مشغول تکرار شوخی‌های ساختگی‌اند.

درنهایت، اگر کمدی را به‌عنوان ژانری جدی تلقی کنیم، باید آن را نه فقط عرصه خنداندن، بلکه حوزه‌ای برای تعامل با مفاهیم اجتماعی، بازاندیشی در قراردادهای فرهنگی و افزایش ظرفیت تفکر انتقادی مخاطب بدانیم. کمدی موفق، از شوخی با ظواهر عبور می‌کند و به طنز درونی ساختار می‌پردازد.

گفت‌وگو با اشکان پیردل زنده کارگردان نمایش «قضیه تفنگ چخوف»

مشاهیر را فرا خواندیم تا دوباره هنر خلق کنند

● دنیای مردگان را زنده کردیم، تاهنرمندان را در معرض آزمون قرار دهیم



کیارش وفایی
هفت صبح

همیشه عبور از مرز واقعیت و رسیدن به جهان تخیل راهکاری ست تا فضایی برای انسان ایجاد کند تا به تحلیلی متفاوت از خود و دیگران برسد. این رویکرد اگر در جهان تئاتر رخ دهد قطعاً جذابیتی دوچندان برای مخاطب فراهم می‌آورد. نمایش «قضیه تفنگ چخوف» چنین فضایی را برای مخاطبش فراهم کرده است. تازه‌ترین اثر اشکان پیردل با ساختاری نو، زبانی متفاوت و داده‌های فانتزی، کم‌دی و تا اندازه‌ای رئالیسم جادویی، کوشیده مولفه جهان‌شمولی به نام «مرگ» را از دنیای واقعی به جهان تخیل بکشانند و جهان مردگان را پیش روی مخاطب قرار دهد. نمایشی که در آن شخصیت‌های مهم تاریخی، «ناپلئون»، «چخوف»، «تولستوی»، «مولیر»، «رابعه بلخی»، «مریلین مونرو»، «آگاتا کریستی»، «کاترین کبیر» و «چاپلین» در جهان مردگان مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند تا از واقعیت جهان امروز بگویند. اهمیت اتفاقی که در جهان متن و میزانشن‌های کارگردان به وجود آمده است، کنش و واکنشی است میان مخاطب و نمایش؛ تا تماشاگر بتواند در دنیای تخیل خود به عنوان شاهد شخصیت‌های اثر به کشف و شهود فردی دست بزند. اشکان پیردل زنده در مقام کارگردان نمایش، دوره کارگردانی خود را در مدرسه هنرهای زیبای رم و بازیگری را در زوریخ و در داخل کشور زیر نظر استادانی چون جلال تهرانی، علی اصغر دشتی تعلیم کارگردانی دیده است. او پیش از این آثاری چون «چخفته»، «شب‌های روشن»، «جشن مرگ ایوان ایلیچ»، «نوستالژی» به روی صحنه برده است.



تعامل مفید و قابل توجهی در ایسن نمایش بین کارگردان و آبا مایل به بازگشت به جهان زندگان است یا خیر؟! از دیدگاه جهان مردگان به سراغ آرزوهای محال رفته‌ایم. بنابراین در جهان نمایش، این آرزوی محال با قاعده‌ای می‌تواند فراهم شود و شخصیت‌ها که شامل مشاهیر و هنرمندان هستند برای آن تلاش کنند تا بداند جاودانگی و بازگشت ارزش قابل توجهی دارد یا خیر.



انتخابم برای این نمایش بود. همین‌که از دنیای مردگان، تجربه و تصویر مشخصی وجود ندارد و به تعداد تخیل انسان‌های زنده می‌توان تصویر و تصور از آن دریافت کرد. پس این شرایط ویژه و البته با استفاده از سبک فانتزی، امکان و اجازه این‌که در چنین دنیایی تصورات و خلاقیت‌مان را به همان شکلی که علاقه‌مندیم بازگو کنیم به وجود می‌آید. دنیای مردگان در این نمایش، دنیای ذهنی و تصورات خود را به تصویر کشیده و پیش روی مخاطب قرار داده است.

● مشاهیر و هنرمندان در نمایش با یکدیگر وارد مسابقه می‌شوند، قرار است ما بازگشت آن‌ها به دنیای امروز را ببینیم؟

قرار است در دنیای نمایش دو هدف را مورد نظر قرار بدهیم. ابتدا تقابل هنر مشاهیر و هنرمندان با خودشان در زمانه‌ای که زندگی کرده‌اند، دیگری نشان دادن عطش بازگشت آنها به دنیای امروز. در طول نمایش آن‌ها با رسیدن به این آگاهی که به دنیای امروز رسیده‌اند و به تناسب توانایی‌های خود در معرض آزمون‌هایی قرار می‌گیرند که باید پشت سر گذارند اما از این حضور منصرف می‌شوند. حال از نگاه دیگر پیش آوردن مسابقه در جهان اثر سبب می‌شود کنش و واکنشی بین شخصیت‌ها در شرایط یکسان پیش آید، تا عملکرد و تفاوت‌ها مورد ارزیابی قرار بگیرد که از نگاه مخاطب جذابیت داشته باشد.

● آیا جهان این اثر به نوعی گویای آرزوهای محال شخصیت‌هاست؟

در دنیای اکنون انسان‌ها، جاودانگی یک آرزوی محال است. در این مورد داستان‌ها و افسانه‌های بسیاری وجود دارد. حال

● چرا نام «چخوف» به نام اثر اضافه شده است؟

در نمایش از قاعده «تفنگ چخوف» وام گرفته شده است. در قاعده «آنتوان چخوف» اگر در پرده اول نمایش تفنگی به دیوار آویخته یا در صحنه باشد باید در صحنه‌های دیگر شلیک شود و اگر قرار نیست از آن استفاده شود پوشش منطبق ندارد. مفهوم این قاعده آن است که در نمایشنامه، فیلم یا داستان یک اتفاق باید نقش مشخص و موثری در کلیت داشته باشد. حال چنین قاعده‌ای در این نمایش هم وجود دارد، زیرا هر آن چیزی که در صحنه استفاده می‌شود باید دلیل موجهی داشته باشد.

● چطور به این ایده رسیدید که مشاهیر و هنرمندان را در جهان مردگان فرابخوانید؟

همیشه برایم سوال بود مشاهیر و هنرمندان دوران گذشته چه شرایطی را در زندگی خود تجربه کرده‌اند. هنر در زمانه آن‌ها در تقابل با هنر امروز چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد و این نکته سوال دیگری برایم بود که اگر هنرمندان و مشاهیر گذشته در دنیای امروز بودند، از فضا و زمین‌بازی که هنر امروز ساخته چه برخورداری می‌داشتند. چطور می‌توانستند هنر خود را بروز دهند. مثلاً «چارلی چاپلین» و فیلم‌های سیاه و سفید و سامنتش؛ آیا او امروز هم به همان زبان با مخاطب ارتباط داشت یا تصمیم دیگری می‌گرفت. البته این نگاه جز در مورد رفتار و تصمیم‌های نویسندگان، بازیگران، در خصوص سیاست‌مداران گذشته نیز وجود داشت. اینکه آیا سیاست‌مداران اگر امروز بودند همچنان به تصمیم‌های گذشته خود پای‌بند بودند یا روش دیگری را به کار می‌بستند.

● جهان مردگان علتی است که به دلیل خاصیت دراماتیکش در این نمایش بروز داده‌اید؟

دنیای ذهن انسان‌ها از جهان کنونی، تصویر یکسانی ندارد، رسیدن به این دنیای پر تکثر همیشه مورد علاقه و دلیل

● آیا این هدفمندی به سبب پرداخت درست کلیت یک اثر است یا قصد تان آن بوده که هر جز نمایش به خوبی نشان داده شود؟

در جهان نمایش صحنه‌های زیادی وجود دارد که اگر اصول و قاعده هر کدام به درستی رعایت و اجرا نشود نمی‌توان کلیت درستی را شاهد بود. بنابراین باید بگویم که از جزئیات بسیاری به کل رسیده‌ایم. با این توضیح که حتی پایان‌بندی این نمایش در آخرین ماه تمرین به کلیت کار اضافه شد. در ابتدای تمرین‌ها، بازیگران نمی‌دانستند چه نقشی را قرار است بر عهده بگیرند، توجه به جزئیات قالب‌بندی نداشتند؛ در روند تمرین‌ها به مولفه‌هایی رسیدیم که جهت درست را به ما نشان داد و روش اجرایی را دچار تغییر کرد.

● رابطه جهان اثر و مخاطب را چطور برقرار کرده‌اید؟

جهان اثری، جهان غریبه‌ای برای مخاطب نیست، هر کس در خواب، رویا و تصوراتش به روش‌های مختلفی آن را تجربه کرده است؛ با این توضیح که بنا بر باورها و دیدگاه‌های متفاوت در انسان‌های سراسر جهان، «مرگ» نقطه مشترک همه

● دلایلی که سبب شد این نمایش دوره سوم خود را روی صحنه تجربه کند را در چه می‌دانید؟

دو دوره گذشته با توجه به لطف و ذائقه مخاطب که بزرگترین حمایت از گروه هم همین است، ادامه‌دار شده بود اما کار نمایش با صحنه تئاتر تمام نشده بود. گروه بازیگران، عوامل پشت‌صحنه و طراحان این نمایش حقشان آن بود که برای دور سوم توانایی‌های خود را در معرض دید مخاطبان قرار بدهند. البته که در این دوره با توجه به تمحیح نکاتی در ساختار کلی که مدنظر بود فرصتی فراهم شد تا این نمایش را با کیفیت بالاتری ارائه بدهیم که مسیر بسیار سختی داشت.



در ابتدای تمرین‌ها، بازیگران نمی‌دانستند چه نقشی را قرار است بر عهده بگیرند، توجه به جزئیات قالب‌بندی نداشتند؛ در روند تمرین‌ها به مولفه‌هایی رسیدیم که جهت درست را به ما نشان داد و روش اجرایی را دچار تغییر کرد.

روایت خانواده دختر ۲۴ ساله‌ای به نام الهه حسین نژاد که در مسیر بازگشت از آرایشگاه به خانه‌اش ناپدید شد

الهه کجاست؟

- یک هفته از ناپدید شدن الهه می‌گذرد، پلیس هنوز سرنخی ندارد**
- او آخرین بار در تماس با خواهرش گفت تا ۱۵ دقیقه دیگر می‌رسد**

هم بود. خواهرش ماشین شخصی داشت و الهه و خواهرش هر روز همراه هم به محل کارشان رفت و آمد می‌کردند.»

عموی الهه در ادامه گفت: «روز حادثه مادر الهه کاری داشت و از او خواسته بود که زودتر به خانه بیاید. برای همین الهه زودتر از روال معمول از آرایشگاه بیرون آمده بود. الهه یک برادر معلول دارد که از خودش کوچکتر است و نمی‌تواند در خانه تنها بماند. او نیاز دارد حتما یکی از اعضای خانواده مراقب او باشد. مادر الهه همیشه در کنار فرزندش هست و از او پرستاری می‌کند اما روز حادثه چون می‌خواست وقت دکتر داشت از الهه خواسته زودتر به خانه بیاید و مراقب برادرش باشد.»

گم شدن دختر ناخن کار

عموی الهه در گفت و گو با خبرنگار هفت صبح راجع به او می‌گوید: «الهه ۲۴ سال داشت و از مدتی قبل در یک سالن زیبایی به عنوان ناخن کار فعالیت می‌کرد. او هر روز بعدازظهر حدود ساعت ۷ صبح از سالن بیرون آمده از آنجا هم راهی خانه‌شان واقع در اسلامشهر می‌شد.» الهه یک خواهر برتر از خودش نیز دارد که متاهل است و با هم در یک سالن زیبایی کار می‌کردند: «رفت و آمدهای الهه و خواهرش با



فاطمه شیخ‌علیزاده دبیر سرویس حوادث

نامش الهه حسین‌نژاد است و ۲۴ سال دارد. اما با همین مشخصات کوتاه از چند روز قبل در فضای مجازی تبدیل به ترند اخبار حوادث شده است. ماجرای گم شدن ناگهانی الهه به حدی شو که کننده است که بسیاری از سلبریتی‌ها و بلاگرهای مشهور در فضای مجازی نیز به خبر فقدان او واکنش نشان داده و آرزو کرده‌اند که این دختر ۲۴ ساله زودتر پیدا شود.

گم شدن دختر ناخن کار عموی الهه در گفت و گو با خبرنگار هفت صبح راجع به او می‌گوید: «الهه ۲۴ سال داشت و از مدتی قبل در یک سالن زیبایی به عنوان ناخن کار فعالیت می‌کرد. او هر روز بعدازظهر حدود ساعت ۷ صبح از سالن بیرون آمده از آنجا هم راهی خانه‌شان واقع در اسلامشهر می‌شد.» الهه یک خواهر برتر از خودش نیز دارد که متاهل است و با هم در یک سالن زیبایی کار می‌کردند: «رفت و آمدهای الهه و خواهرش با

محاكمه غیابی متهم بعد از فرار به ترکیه

با اعلان قرمز به پلیس بین‌الملل متهم تحت تعقیب قرار دارد

زهرا بهزادی

خبرنگار

اواسط سال ۱۴۰۰ رسیدگی به درگیری خونین در خیابان مصطفی خمینی در دستور کار تیم جنایی قرار گرفت. در این حادثه جنایی مرد جوانی به نام کامران به ضرب چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌های ابتدایی نشان می‌داد که عامل وارد کردن ضربه خونین به متهم مرد جوانی به نام هادی بوده‌است که تعدادی از کسبه محل و حاضران در صحنه جنایت در همان تحقیقات

خبرده حادثه

افشای راز کلاهبرداری ۲۱۰میلیاردی در پایتخت

رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ از کشف بیش از ۱۰ میلیون یورو، روپیه و یوان و عدم ایفای تعهد ارزی خبر داد و گفت: کارشناسان ارزش ارز مکشوفه را ۲۱۰میلیاردریال برآورد کرده‌اند. سرهنگ کارآگاه «مهدی افشاری» در گفت‌وگو با خبرنگارزای پلیس، توضیح داد: با انجام اقدامات فنی ماموران این پلیس موفق به دستگیری فردی شدند که به تعهدات ارزی خود عمل نکرده و سعی در کلاهبرداری ارزی داشت.

این مقام انتظامی عنوان داشت: با شکایت مدیران یکی از بانک‌های کشور، مبنی بر اینکه مدیر یکی از شرکت‌های واردکننده کالا در سال ۱۴۰۱ با ثبت یک فقره ثبت سفارش و واردات کالا از بانک اقدام به دریافت ارز کرده ولی به تعهد خود عمل نکرده است، تحقیقات ماموران آغاز و برای شناسایی این کلاهبردار وارد عمل شدند.

سرهنگ افشاری افزود: میزان تعهد ارزی این متهم به میزان تقریبی ۱۱۰ هزار یورو، ۸۲میلیون روپیه هند و ۲۳میلیون یوان چین بوده که پرونده‌ای در این خصوص تشکیل پس از انجام تحقیقات، متهم شناسایی و در یکی از دفاتر کاری‌اش در شمال تهران دستگیر شد.

وی تصریح کرد: متهم پس از انتقال به پلیس امنیت اقتصادی، تحت بازجویی‌های فنی و تخصصی قرار گرفت که طی آن به جرم خود مبنی بر کلاهبرداری و عدم ایفای تعهدات ارزی خود، اعتراف کرد.

سرهنگ افشاری با اشاره به این مطلب که متهم پس از تکمیل پرونده با شکایت بانک عامل، راهی دادسرا شد، افزود: کارشناسان ارزش ریالی ارز مورد تعهد را بیش از ۲۱۰میلیارد ریال اعلام کرده اند. گفتنی است، شهروندان می‌توانند در صورت مشاهده هر گونه موارد مشابه با این پلیس به شماره‌های ۰۲۱۶۶۷۴۷۴۴ و ۰۹۹۹۸۷۱۳۹۲ تماس بگیرند.

دستگیری شرور مسلح در شرق تهران

معاون اجتماعی سازمان اطلاعات پلیس پایتخت از دستگیری یک شرور به اتهام شرارت و درگیری با سلاح گرم در منطقه شرق تهران خبر داد. سرهنگ موسوی، در این باره گفت: ماموران پایگاه چهارم پلیس اطلاعات خبری رادرخصوص درگیری اراذل و اوباش با سلاح گرم در منطقه دلاوران تهران دریافت و برای بررسی وارد عمل شدند.

وی افزود: با بررسی صحت و سقم خبر و انجام تحقیقات عامل این درگیری شناسایی شد و در تحقیقات تکمیلی مشخص شد که این فرد یکی از اشرار سابقه‌دار محله دلاوران است که با تهدید سلاح گرم و سرد باعث ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان شده و با شکایت شهروندان این محله پیش از رسیدن ماموران از محل گرفته‌است.

سرهنگ موسوی، تصریح کرد: با کسب دستور از مرجع قضایی تیمی از ماموران وارد عمل شده و پس از شناسایی مخفیگاه این متهم، برای دستگیری وی اعزام شدند که در نهایت طی یک عملیات ضربتی این متهم در نیاوران دستگیر و برای تحقیقات به پلیس اطلاعات پایتخت منتقل شد که در جریان بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف و پس از تکمیل پرونده راهی دادسرا شد.

معاون اجتماعی پلیس اطلاعات خاطر نشان کرد: در مخفیگاه متهم سه قبضه سلاح گرم و ۲ قبضه سلاح سرد کشف شد که ضمیمه پرونده شده و به دادسرا ارجاع شد.

سرهنگ موسوی در پایان خطاب به اشرار و هنجارشکنان گفت: اوباش بداندن هیچ شرارتی از آنان بدون پاسخ پلیس نمی‌ماند.

جدول و سرگرمی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
۴	۱۳	۲۲	۳۱	۴۰	۴۹	۵۸	۶۷	۷۶	۸۵	۹۴	۱۰۳	۱۱۲	۱۲۱	۱۳۰	۱۳۹	۱۴۸	۱۵۷	۱۶۶	۱۷۵	۱۸۴	۱۹۳	۲۰۲	۲۱۱	۲۲۰	۲۲۹	۲۳۸	۲۴۷	۲۵۶	۲۶۵	۲۷۴
۷	۱۶	۲۵	۳۴	۴۳	۵۲	۶۱	۷۰	۷۹	۸۸	۹۷	۱۰۶	۱۱۵	۱۲۴	۱۳۳	۱۴۲	۱۵۱	۱۶۰	۱۶۹	۱۷۸	۱۸۷	۱۹۶	۲۰۵	۲۱۴	۲۲۳	۲۳۲	۲۴۱	۲۵۰	۲۵۹	۲۶۸	۲۷۷
۱۰	۱۹	۲۸	۳۷	۴۶	۵۵	۶۴	۷۳	۸۲	۹۱	۱۰۰	۱۰۹	۱۱۸	۱۲۷	۱۳۶	۱۴۵	۱۵۴	۱۶۳	۱۷۲	۱۸۱	۱۹۰	۱۹۹	۲۰۸	۲۱۷	۲۲۶	۲۳۵	۲۴۴	۲۵۳	۲۶۲	۲۷۱	۲۸۰
۱۳	۲۲	۳۱	۴۰	۴۹	۵۸	۶۷	۷۶	۸۵	۹۴	۱۰۳	۱۱۲	۱۲۱	۱۳۰	۱۳۹	۱۴۸	۱۵۷	۱۶۶	۱۷۵	۱۸۴	۱۹۳	۲۰۲	۲۱۱	۲۲۰	۲۲۹	۲۳۸	۲۴۷	۲۵۶	۲۶۵	۲۷۴	۲۸۳

۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

۷	۱۹	۱	۸	۵	۶	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۴	۱۳	۲۲	۳۱	۴۰	۴۹	۵۸	۶۷	۷۶	۸۵	۹۴	۱۰۳	۱۱۲	۱۲۱	۱۳۰	۱۳۹	۱۴۸	۱۵۷	۱۶۶	۱۷۵	۱۸۴	۱۹۳	۲۰۲	۲۱۱	۲۲۰	۲۲۹	۲۳۸	۲۴۷	۲۵۶	۲۶۵	۲۷۴	۲۸۳	۲۹۲	۳۰۱	۳۱۰
۷	۱۶	۲۵	۳۴	۴۳	۵۲	۶۱	۷۰	۷۹	۸۸	۹۷	۱۰۶	۱۱۵	۱۲۴	۱۳۳	۱۴۲	۱۵۱	۱۶۰	۱۶۹	۱۷۸	۱۸۷	۱۹۶	۲۰۵	۲۱۴	۲۲۳	۲۳۲	۲۴۱	۲۵۰	۲۵۹	۲۶۸	۲۷۷	۲۸۶	۲۹۵	۳۰۴	۳۱۳
۱۰	۱۹	۲۸	۳۷	۴۶	۵۵	۶۴	۷۳	۸۲	۹۱	۱۰۰	۱۰۹	۱۱۸	۱۲۷	۱۳۶	۱۴۵	۱۵۴	۱۶۳	۱۷۲	۱۸۱	۱۹۰	۱۹۹	۲۰۸	۲۱۷	۲۲۶	۲۳۵	۲۴۴	۲۵۳	۲۶۲	۲۷۱	۲۸۰	۲۸۹	۲۹۸	۳۰۷	۳۱۶
۱۳	۲۲	۳۱	۴۰	۴۹	۵۸	۶۷	۷۶	۸۵	۹۴	۱۰۳	۱۱۲	۱۲۱	۱۳۰	۱۳۹	۱۴۸	۱۵۷	۱۶۶	۱۷۵	۱۸۴	۱۹۳	۲۰۲	۲۱۱	۲۲۰	۲۲۹	۲۳۸	۲۴۷	۲۵۶	۲۶۵	۲۷۴	۲۸۳	۲۹۲	۳۰۱	۳۱۰	۳۱۹

ت	ق	ن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰			
خ	ر	م	ک	و	ب	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
ز	ا	د	ا	ر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
م	ک	ا	ن	ب	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
ش	ن	ف	ا	ج	ر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
و	س	ا	ی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰		
ر	س	ی	ا	ل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
ز	ز	ح	ب	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰		
ر	م	ا	ل	ی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
ه	ی	ا	ف	ا	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
د	د	ا	ن	ر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
و	ی	ن	ر	ی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
ح	و	ن	س	و	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
ی	ک	ا	ر	ه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ا	ل	م	ج	ی	ی	د	ا	ت	د	خ				
م	و	س	ی	ر	د	گ	و	ر	و	ل				
ن	خ	و	ا	ف	ه	م	س	ی	م	د				
ا	ی	ن	ک	ر	ا	ر	ی	م	س	ا				
ت	د	ی	ا	ن	ر	ی	ی	ج	پ	ا				
م	و	ا	ل	ر	و	م	ا	ز	ر	ک				
ل	ا	ر	ی	ا	س	د	ا	ی	م	ا				
ی	ا	ی	ل	ی	ت	ب	د	ن	ی	م				
ن	م	ا	ج	ا	ا	ا	س	ا	ر	ا				
ی	ا	ی	م	ن	ی	ا	ن	و	ز	ا				
ر	ن	گ	س	ف	ت	ش	گ	ن	ل	ا				
د	ا	ر	ا	ی	ن	ا	ه	ا	ج	ا				
و	س	ت	ا	ل	ا	ج	ا	ه	د	ل				
ن	ک	ب	ی	ک	ا	ب	ا	ی	ا	ه				



رتراد در ظاهر شاید یک ماشین کهنه و بی ارزش باشد اما در واقعیت، یک فریاد خاموش است؛ پنبایه‌ای از اعتراض هنر و آزادی فردی. در روزگاری که بیشتر خودروها در کارخانه‌ها و نرم‌افزارها طراحی می‌شوند، رتراد یادمان می‌آورد که ماشین هم می‌تواند یک اثر هنری زنده باشد. زخم خورده، دست‌ساز، ولی صادق و بی‌دعا.

از آمریکا تا سوئد،
جهانی شدن
رتراد

تولد یک فرهنگ؛ واکنشی به تجمل گرایی
در دهه ۱۳۷۰ (۱۹۹۰ میلادی) گروهی از علاقه مندان
خودروهای کلاسیک در کالیفرنای جنوبی، در واکنش
به تجمل گرایی رایج در دنیای خودروهای بازسازی شد
تصمیم گرفتند ماشین هایی بسازند که اصیل باشند

واقعیتی این است که کارهایایی که امروز ایران در صادرات آنها توان و قوایی دارد، بدین و نهاده آنها در ۴ تا ۵ دهه پیش در کشور نهاده شدند، در نتیجه ورود به این صنایع کارایی نیستند و از سوی دیگر به دلیل تحریم‌ها و رکود مالی و صنعتی کشور، رقبای تازمفس با تکنولوژی روز دنیا در عرصه‌ها ورود کردند و محصولاتی به مراتب با کیفیت‌تر را تولید و روانه بازار می‌کنند، در چنین شرایطی ایران به پامین کننده قطعات و مواد مصری بازار خودروهای قدیمی و با تکنولوژی متیل تبدیل شده و اگر به‌طور وارد شوند، متأسفانه ممکن است که شاهد کمرنگ یا حذف شدن ایران هم باشیم، که این‌ها ممکن است با آخرین امراهی صادراتی، به‌طور میانگین ۹۰ درصد قطعات صادراتی ایران در قالب لوازم یدکی (Aftermarket) استفاده می‌شوند و نه برای خط تولید (OEM).

از آن سو، بی‌توجهی به این موضوع ساده می‌تواند شروعی برای زنجیره‌ای از خرابی‌های پرهزینه باشد. بسیاری از رانندگان، لرزش‌ها یا صدای عجیب چرخ‌ها را به‌سادگی نادیده می‌گیرند، در حالی که این علائم، فریادهای بی‌صدای خودرو برای حفظ تعادل هستند. بالاس چرخ‌ها فقط یک اقدام پیشگیرانه نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از نگهداری هوشمندانه خودروست. حفظ این تعادل، تضمینی است برای سفری نرم، مطمئن و کم‌هزینه.

افزون بر این، بازار اجاره لیموزین‌های کشیده در کشور های توریستی و مقاصد لوکس، به صنعتی پر رونق بدل شده است. برخی شرکت‌ها حتی این خودروها را برای تور های شبانه شهری یا مهمانی‌های سیار تجهیز کرده‌اند. با گسترش پلتفرم اجاره آنلاین، دسترسی به این خودرو های خاص نیز برای عموم آسان تر از گذشته شده است.

کروم، خطوط خمیده و جزئیات اغواگر است. گلگیرهای بیرونی این خودرو، همچون تابلویی پرزرق و برق از جلوه‌های هنر طراحی و مهندسی به چشم می‌خورد. گلگیرهای بیرونی این خودرو، همچون تابلویی پرزرق و برق از جلوه‌های هنر طراحی و مهندسی به چشم می‌خورد.

پیشروانه پر قدرت، باتری بزرگتر

مهم‌ترین تحول فنی این خودرو در بخش باتری و پیشروانه رخ داده است. نسخه‌های پر قدرت hz اکون، باتری لیتیوم-یونی ۲۴۰ کیلووات ساعتی بهره می‌برند که در کنار موتورهای دائم مغناطیسی جدید، قدرتی معادل ۳۳۸ اسب‌بخار تولید می‌کنند. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر این مدل، به عدد قابل توجه ۴٫۹ ثانیه رسیده که برای یک شاسی‌پلند خانوادگی برقی، کاملاً تحسین برانگیز است. حتی نسخه‌های پایه نیز که به باتری کوچک‌تر ۵۱۲ کیلووات ساعتی مجهز هستند، نسبت به مدل‌های پیشین برتری بیشتری یافته‌اند.

دورون دابین، نمایشگر کمزری ۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې
پنځيزې پيژنګي پيژنګي طراحي قديمي تر شده و دکمه‌ای
پنځيزې پيژنګي پيژنګي کنترل تهويه، د کنار پدهای شازو
۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې، تر کيبي ا زاحتي و
۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې، د اختيار راننده و سرمن
۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې، د الهام ز ۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې
۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې، د فضاى داخلي حالتى منظم و کارآمد
۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې، تنه کتدای و ممکن است برای
۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې، ناخوشايند باشد، جایگاه سرعت سنج
۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې، د بالای فرمان شيعيد شده و باعث می شود
۲۰۱۰میلادی دپنځې جديدې، د موقعیت فرمان پابين تر از حد معمول قرار گیرد.

روحي رانندگان ناخوشايند باشد، جاياگاه سرعت سنج
ست كه بالاى فرمان تعبیه شده و باعث مى شود
موقعيت فرمان پايين تر از حد معمول قرار گيرد.

بیشترین افزایش داخلی		
۱	ریزا - ۱۴۰۴	+۱۱۵
۲	بزو ۲۰۰۷ پانوراما تونیک TUN5P- ۱۴۰۳	+۱۵
۳	پژو پارس ELX-۱۴۰۳ XUVp	+۵
۴	پژو پارس XUVp-۱۴۰۳	+۵
۵	شاهین GLD نندهای - ESC ۱۴۰۴	+۱

شماره اخت

علی آقامیرزایی ملی پوش باسابقه قایقرانی ایران از تبعیض در ورزش و دردهای پنهان قایقرانی می گوید

پیرانوند ۷۰ میلیارد تومان می گیرد

مادرگیر ماهیانه

۲۰ میلیون تومان

هستیم



امید ذاکری نیا
دبیر سرویس ورزش

علی آقامیرزایی، قایقران باتجربه تیم ملی ایران و دو دوره المپیک است و این روزها در شهر خودش بندرانزلی تمرینات آماده سازی برای رقابت های جهانی که قرار است در کشور ایتالیا برگزار شود را پشت سر می گذارد. او در گفت و گویی صریح از مشکلات و دغدغه های قایقرانان ایرانی می گوید: از کمبود امکانات، قایق های فرسوده و نبود حمایت مالی، تا نایب دید گرفتن افتخارات بین المللی و دلخوری از بی توجهی مسئولان. او با صداقت از مسیر سخت قایقرانی در ایران، بی عدالتی ها در ورزش و امید به تغییر شرایط برای نسل های آینده سخن می گوید.

❖ شرایط تمرین این روزهای شما چگونه است؟ آیا اردوهای تیم ملی به خوبی برگزار می شوند یا با چالش هایی مواجهید؟

در حال حاضر اردوها در شهر خودم، انزلی برگزار می شود. امیدوارم برای مسابقات جهانی مردامه که در کشور ایتالیا برگزار می شود، فدراسیون بتواند ما را اعزام کند. تقاضای اردوهای خارجی داشتیم اما تا الان محقق نشده هنوز تصمیمی برای برگزاری اردوهای برون مرزی گرفته نشده و خیلی نیازمند بودیم تا اردوهای خارجی و مشترک با یکی از تیم های آسیایی داشته باشیم. احتمالاً اردویی برگزار نخواهد شد و مثل روال گذشته، بعد از بازی های آسیایی هانگزو، در شهر خود تمرین می کنیم و همین روال را ادامه می دهیم تا مسابقات جهانی ایتالیا به ۲۹ مرداد است.

❖ شما به عنوان یکی از قایقرانان باتجربه تیم ملی، شرایط فعلی قایقرانی ایران را چگونه می بینید؟

قدیم عضو تیم ملی بودیم و همچنان یکه تازیم. متأسفانه کسانی که به عنوان پشتوانه ما هستند، خطری برای ما محسوب نمی شوند و این یک ضعف بزرگ است. اگر بخواهیم تیم ملی یکدست و قوی داشته باشیم، باید نفرا ت نزدیک به هم باشند تا یک تیم ملی قدرتمند شکل بگیرد.

❖ از آخرین رقابت های بین المللی که شرکت کردید بگویند: چه دستاوردها و تجربه هایی برایتان ماندگار شد؟

نسبت به سال های گذشته، اگر از نظر زیرساخت ها و سالن در تهران بخواهیم بگویم، رئیس فدراسیون یکسری اقدامات کرده است. اما ما قایقرانی ایران در حال حاضر از سه نفر تشکیل شده: من، پیمان قویدل و یکی از بچه های بایلسر، نبی رضایی. بقیه بچه ها در رده امید و جوانان هستند و هنوز به تیم ملی بزرگسالان ملحق نشده اند. آنها پشتوانه ما هستند، هر چند فاصله خوبی با ما ندارند. نیاز است که بیشتر روی این بچه ها کار شود و یکی دو نفرشان برای بازی های آسیایی ناگویا به تیم اضافه شوند. کل تیم بزرگسالان سه نفر است؛ دو نفر کایاک و نبی رضایی در کالوی کانادایی.

❖ آیا نسبت به سال های گذشته، پیشرفتی در امکانات و زیرساخت ها داشته ایم؟

این شرایط فعلی فدراسیون و قایقرانی، شرایط جالب و خوبی نیست. من و پیمان قویدل از سالیان

اتهام تجاوز به سه ورزشکار دوومیدانی ایرانی در کره دستگیری در محل ارتکاب جرم

پلیس و رسانه های کره ای جزئیات حادثه را منتشر کردند و از مقامات ایران خواستند واکنش فوری نشان دهند

در تاریخ ۳۱ به ۲۵ (شنبه ۱۰ خرداد) سه نفر از اعضای تیم ملی دوومیدانی ایران که در مسابقات قهرمانی آسیا در گومی کره جنوبی شرکت کرده بودند، به اتهام تجاوز به عنف به یک زن کره ای در هتل در گومی دستگیر شدند. این خبر شوک آور در حالی منتشر شد که رسانه های ایرانی تا زمان انتشار این گزارش اخبار رسمی منتشر نکردند.

❖ جزئیات حادثه

پلیس گومی گزارش داد که در ساعت ۷ صبح روز ۳۱ مه، یک زن ۲۰ ساله کره ای با مراجعه به پلیس اعلام کرد توسط دو ورزشکار ایرانی و یک مربی در هتل در گومی مورد تجاوز قرار گرفته است. بر اساس تحقیقات اولیه، این زن با این افراد در یک بار در نزدیکی دهکده ورزشی ملاقات کرده و سپس به همراه آنها به هتل رفته است. پلیس بلافاصله به محل حادثه اعزام شد و دو ورزشکار ۳۰ ساله و یک مربی را در حال ارتکاب جرم دستگیر کرد. تحقیقات تکمیلی برای روشن شدن جزئیات بیشتر ادامه دارد.

❖ واکنش ها و تبعات

این حادثه باعث نگرانی شدید در میان مقامات و رسانه های کره جنوبی شده است. وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک کره جنوبی از مسئولان ایرانی خواسته اند تا در اسرع وقت توضیحات لازم را ارائه و اقدامات قانونی را در این زمینه انجام دهند. همچنین، این حادثه ممکن است تأثیرات منفی بر روابط ورزشی و دیپلماتیک میان ایران و کره جنوبی داشته باشد و ممکن است بر حضور تیم های ورزشی ایران در مسابقات بین المللی آینده تأثیر بگذارد.

❖ پیگیری های رسانه ای

رسانه های کره ای به سرعت این خبر را پوشش داده و جزئیات بیشتری را در مورد حادثه منتشر کرده اند. برخی رسانه ها مقامات ایرانی خواسته اند تا با همکاری با پلیس کره جنوبی، تحقیقات را تسهیل و اطمینان حاصل کنند که عدالت در این پرونده اجرا می شود. این حادثه نشان دهنده اهمیت رعایت قوانین و مقررات در رویدادهای بین المللی است و لزوم توجه به مسائل اخلاقی و انسانی را در عرصه ورزش یادآوری می کند.

❖ ماجرا در رسانه های کره

سه نفر از اعضای تیم دوومیدانی ایران، شامل دو ورزشکار و یک مربی که در مسابقات قهرمانی دوومیدانی آسیا ۲۰۲۵ در گومی شرکت داشتند، به اتهام تجاوز جنسی به یک زن کره ای توسط پلیس بازداشت شدند. گفته می شود پلیس بلافاصله به محل حادثه اعزام شد و دو ورزشکار ایرانی ۳۰ ساله و یک مربی را به صورت «در حال ارتکاب جرم» دستگیر کرد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بهار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۴۴۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ هیات پنجم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهار تصرفات مالکانه باامعارض متقاضیو سندجیو سندجیو فرزند فرهاد به ش ۱۰۴۳۰۳ صادره از تهران در شناساند یک قطعه زمین مزروعی دیم به مساحت ۴۴۳۰۹۰۴۱ مترمربع پلاک ۱۶۱۲ فرعی از ۱۵۲ اصلای مزروعی و مجزی شده از پلاک ۲ فرعی از ۱۵۲ اصلی واقع در بخش ۴ حوزه ثبت ملک بهار اراضی دستجرد موروثی را مرحوم فرهاد سندجیو محرز گردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م: الف: ۹۱

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهار- حسین مرادی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود قسمتی از پلاک ۲۳۶ اصلی، شناساند یک باب خانه در آن، به مساحت ۱۰۵/۹۴ متر مربع، واقع در بخش تهران مورد تقاضای محمدرضا سنگتانیان فرزند محمود با کد ملی ۰۰۷۳۱۸۱۲۰۰ تاکنون بعمل نیامده و پلاک فرعی ۳ از ۲۳۶ اصلی به آن اختصاص یافته است در عمل به تبصره ماده ۱۵ قانون ثبت مقدور نبوده است لذا عملیات تحدید حدود ملک مذکور در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ روز سه شنبه ساعت ۱۱ صبح در محل وقوع ملک شروع و بعمل میآید بدینوسیله بااطلاع مجاورین پلاک ثبتی موضوع می رساند در روز و ساعت مقرر در محل حضور به هم رسانند. چنانچه اعتراضی به حدود و حقوق ارتفائی داشته باشند ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدید حدود اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک زیانداشت تسلیم و رسید دریافت دارند و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده اصلاح مواد ۱۶ و ۱۴۰ قانون ثبت مصوب ۷۲/۳/۲۵ مجلس مجترم شورای اسلامی طرف مدت یکماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به دفتر این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ (توضیح اینکه تاریخ قيد شده فقط مربوط به انتشار آگهی می باشد) تاریخ تحدید: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیانداشت
تهران - محمدعلی ابراهیمی

شناسه آگهی ۱۹۳۷۱۰۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بهار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی.

برابرای شماره ۹۳۱ مورخ۱۴۰۳/۰۲/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهار تصرفات مالکانه باامعارض متقاضی قدرت الله خادمی حمید فرزند نصرت الله بشماره شناسنامه ۷۶۰ صادره از اسدباد در شناساند یک باب ساختمان دارای کاربری مسکونی به مساحت ۱۳۳ مترمربع پلاک شماره ۶۶ اصلی واقع در بخش ۶ حوزه ثبت ملک اسدباد خیابان کاشانی کوچه کاشانی ۱۳ خریداری باواسطه ازمالک رسمی تجاملتی شکرى محرز گردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.در صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م: الف: ۳۸۹

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بهار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۷۴۰ مورخ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ هیات پنجم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهار تصرفات مالکانه باامعارض متقاضی صید علی رضائی مرند فرزند شاولی به ش ۲۴۹۵ صادره از صالح آباد در شناساند یک قطعه زمین مزروعی آبی به مساحت ۱۱۰۰۷۰۷۸ مترمربع پلاک ۴۳۷۱ فرعی از ۱۲۶ اصلی واقع در بخش ۴ حوزه ثبت ملک بهار اراضی صالح آباد خریداری از مالک رسمی شادلی طراوتی محرز گردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م: الف: ۸۴۰

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهار- حسین مرادی

گزارش ویژه



لژیونرترینیکه معمار قهرمانی
در سرزمین مدور و بیابا

جشن در پاریس با معجزه شاهدخت کاتالونیا

انریکه قهرمانی را به دخترش شانا تقدیم کرد، لحظه ای احساسی در میانه جشن های بزرگ

شنبه شب، جشن های پرشوری در سراسر پاریس به راه افتاد؛ هزاران هوادار فوتبال به خیابان شانزلیزه که پر از فروشگاه ها و مراکز خرید است، سرازیر شدند تا قهرمانی تیم محبوبشان، پاری سن ژرمن را جشن بگیرند. پاری سن ژرمن با پیروزی قاطع ۵ بر صفر مقابل اینتر میلان ایتالیا، برای اولین بار در تاریخ خود قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شد.

« نام برزق و برق

همواره نام پاری سن ژرمن با ستارگان و جشن های برزق و برق خارج از زمین بازی گره خورده بوده؛ تیمی که گران ترین بازیکنان دنیا را گرد هم آورده و حتی میزبان چهره های مشهوری همچون کیم کارداشیان در جایگاه تماشاگران خود می شد. اما در عین حال، از رسیدن به جام ارزشمند لیگ قهرمانان اروپا که سال ها آرزویش را داشت، باز می ماند.

لوئیس انریکه در دومین فصل حضورش کاری را کرد که مر بربان پیش از او نتوانسته بودند انجام دهند: او برای نخستین بار در تاریخ باشگاه، پاری سن ژرمن را به قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا رساند و با قهرمانی در لیگ فرانسه و جام حذفی فرانسه، یک سه گانه تاریخی را رقم زد. اما چطور انریکه این تیم را از «تیم مد و نمایش» به یک قهرمان واقعی در اروپا تبدیل کرد؟

« ستاره واقعی

در حالی که شهرت همیشه روی ستاره های سابق تیم، یعنی مسی، نیمار و امپا به متمرکز بود، انریکه نشان داد که ستاره واقعی پاری سن ژرمن خودش است؛ و قبل از هر چیز، این تیم است که اهمیت دارد، نه بازیکنان فردی. او در فصل نخست حضورش، به شکلی هوشمندانه با موضوع داغ و پر حاشیه امپا به پیش از انتقالش به رئال مادرید کنار آمد و در فصل دوم، ثابت کرد که تمرکز باید روی کار تیمی و تاکتیک باشد، نه صرفاً روی درخشش ستاره ها.



« شب شاهدخت شانا

پس از بازی، هواداران پاری سن ژرمن با نمایش یک عکس بزرگ، یاد دختر لوئیس انریکه، شانا را که در سال ۲۰۱۹ و در سن ۹ سالگی بر اثر سرطان درگذشت، گرامی داشتند. انریکه گفت: «خیلی خوشحالم. در پایان بازی، نمایش بزر هواداران برای خانواده ام خیلی احساسی بود. من همیشه به دخترم فکر می کنم.»

مهم ترین رقابت باشگاهی اروپا با جشن بگیرند. برج ایفل به رنگ های آبی و قرمز پاری سن ژرمن نورپردازی شد و هواداران در خیابان بولی، که از کنار موزه لوور می گذرد، تجمع کردند. پلیس پاریس پیش از بازی ۵۴۰۰ نیروی امنیتی در سطح شهر مستقر کرده بود تا برای جشن های احتمالی آماده باشد. در خیابان شانزلیزه، پلیس برای حفظ نظم از گاز اشک آور و اسبیری فلغل استفاده کرد. سختگویی پلیس اعلام کرد که یک خودرو در نزدیکی ورزشگاه پارک دو پرنس به آتش کشیده شد و ده ها نفر نیز هم زمان با پایان بازی بازداشت شدند. عثمان دمبله، هافبک پاری سن ژرمن، از هواداران خواست که جشن ها را به آرامش برگردانند. او در مصاحبه ای با کانال پلاس گفت: «باید جشن بگیریم اما نگذاریم همه چیز در پاریس به آشوب کشیده شود.» اما نولین مکرون، رئیس جمهور فرانسه و هوادار پرشور تیم المپیک مarse، در تویییتی نوشت: «روزی باشکوه برای پاری سن ژرمن عالی بودید، همه به شما افتخار می کنیم. پاریس پایتخت فوتبال اروپا است.» پاری سن ژرمن در سال ۲۰۲۰ در فینال لیگ قهرمانان اروپا مغلوب بایرن مونیخ شده بود و این فصل هم در آستانه حذف از مرحله گروهی بود، اما توانست مسیرش را ادامه دهد و در نهایت جامی را که مالکان قطری باشگاه آرزویش را داشتند، به دست آورد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح مدار کار
سر دبیر: افشین امیر شاهی
مدیر هنری و: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

اینم په جور شه!

فال حافظ!

شروین سلیمانی
شاعر و طنزپرداز

پار سال برای یک جلسه شعر به شیراز دعوت شده بودم. پروازم نزدیک ظهر نشست. چند ساعت بعدش جلسه شروع می شد. تصمیم گرفتم که دو سه ساعت باقی مانده را غنیمت بشمرم و بروم زیارت حافظ و سعدی. اول رقتم حافظیه و بعدش آمدم بیرون تا تاکسی بگیرم و خودم را به سعدیه برسانم. یک پراید لکنته بادمجانی که پیر مردی خسته، راننده‌اش بود تلق تلق نزدیک شد و جلوی پایم ایستاد. گفتم: سعدیه می‌ری؟ گفت: می‌رم عامو اما ترافیکه، اگه پیاده بری زودتر می‌رسی! (شما همه دیالوگ‌های این عزیز را با لهجه شیرین شیرازی بخوانید) گفتم: عیب ندار. سوار شدم. راه افتاد و گفت: مگه الان سر قبر حافظ نبودی؟ گفتم: چرا. گفت: قبر سعدی هم مٓث همینه! از این حرفش جا خوردم. گفتم: خب هر کدوم لطف خودشون دارن. گفت: بازم سعدی بهتره، حافظ به درد نمی‌خوره! من شاعر که روی هر دوی این بزرگواران تعصب دارم با دلخوری گفتم: نفر مایید آقا. اینا قله‌های ادبیات ایران و جهان. خیلی محکم گفت: اشتباه کن! همین حافظ خیلپارو بدبخت کرده. با تعجب گفتم: چرا؟! گفت: با همین فال‌های بی‌خودش! (البته ادبیات راننده زیاد پاستوریزه نبود، من اینجا تلطیفش می‌کنم تا قابل چاپ شودا) گفتم: فال حافظ که سر گرمیه. گفت: برای شما سر گرمیه. همین فالو یعنی (فال) زندگی خیلپارو به فد فادانه! یکیش خودم، با کنجکاری پرسیدم، چطور؟! اهی سوزناک کشید و گفت: سر زن گرفتن فال گرفتیم، گفت: «بگیر طرّه مه چهره‌ای و قصه مخوان.» رقتیم دختر و رو گرفتیم، نفر پتی‌ای از آب در اومد که کافر بگردا سرر انتخاب شغل فال گرفتیم، گفت: «قبول دولتینا کیمیای این مس شد» کار بابامونول کردیم رقتیم توی کار دولتی، ۳۰ سال سگ‌و زدیدم آخرشم این شد وضع‌مون! پسرو اومد خواستگاری دخترمون. فال گرفتیم گفت: «حجله حسن بیاری که داماد آمد.» سرر حرف حافظ دخترمونو دادیم. دامادو الوات از آب در اومد، دخترمونو سیاه‌بخت کردا یه فالو هم گرفتیم که با پول پاداش باز نشستگی مون چه کنیم. گفت بذار توی بورس. گذاشتیم توی بورس خاک و یاد شد! برپسیدم: مگه حافظ برای بورس هم شعر داره؟ گفت همون که میگه: «دیدار شد میسر و بوس و کنار هم.» با تعجب گفتم: بوس به بورس چه ربطی داره؟! گفت: ما بوسو به فال بورس گرفتیم! این آخری هم شک داشتیم که ماشین از غریبه بخریم یا ماشین باجنای مون‌رو بگیریم. فال گرفتیم گفت: «اهل نظر معامله با آشنا کنند.» با باجنای مون معامله کردیم. این لگنو انداخت بهمون، دو برابر پول خودش خرج تعمیرش کردیم! به سعدیه رسیدیم. گفتم: به نظرم شما دیکه با فال حافظ تصمیم نگیری گفت نه دیکه غلط نکنم! بلافاصله گفت: چند وقته دارم فال سعدی می‌گیرم، خیلی کارش درسته! چشمانم از تعجب گرد شد. موقع پیاده شدن با خنده‌ای عصبی گفتم: یه مدت هم فال خیام بگیر. نشد برو توی کار فال ابرج‌میزر!! اون دیکه جوابه! ناسازی گفت و گازش را گرفت و دور شد. یادم آمد که خودم هم در زندگی چه تصمیماتی که با فال حافظ نگرفتم‌ام! اما خوشحال بودم که لافال بوس را به فال بورس نگرفته‌ام که به خاک سیاه بنشینم!

یک دقیقه زندگی

خیابان ولیعصر ؛ بلند ترین نوار خاطر ه

بابک نبی
دبیر صفحه آخر

بعضی خیابان‌ها فقط مسیر عبور خودروها و رهگذران نیستند؛ جاده‌های بی‌احساس و بی‌چهره‌ای هستند که فقط قرار است دو نقطه را به‌هم برسانند. بعضی خیابان‌ها اما، دفتر خاطرات شهرهای‌اند. هر سنگ‌فرش و هر درخت، راوی قصه‌هایی که در قلبشان ثبت شده و نامشان، با روزه‌ها و شب‌های یک شهر، گره خورده است. ولیعصر تهران، بی‌تردید پادشاه این خاطره‌هاست؛ رگی ممتداز شمال تا جنوب، که همچون رشته‌ای نامریی، پاره‌خطی از زندگی پایتخت را به‌هم دوخته است.

بیش از هفده کیلومتر پیاده‌روی، با آن چنارهای همیشه‌سبز و گاهی پیر، با ویترین‌منازهایی که سال‌هاست از مد می‌روند و باز برمی‌گردند، با کافه‌هایی که صبح‌شان بوی نان سنگک و عصرشان عطر قهوه و شعر می‌گیرد و با آدم‌هایی که هر روز از کنار هم بی‌مدار می‌شوند اما گوشه‌ای از جان‌شان را همین جا، جایی بین میدان راه‌آهن و میدان تجریش، جا گذاشته‌اند.

ولیعصر، رودی است که از شمال سرشار و خرامان می‌آید، از بیج‌وتاب کوچه‌های فرعی‌اش هزار قصه به خیابان می‌ریزد و در هر قدم، طعم زندگی و معنی خیابان‌ها اما، دفتر خاطرات شهرهای‌اند. هر سنگ‌فرش و ظهورهای داغ تابستان، سایه‌های بلند چنار، بعدازظهرهای پاییز با صدای خش‌خش برگ، زمستان‌های مودال‌ه که بخار نفس‌ها در هوای سرد گم می‌شود و بهارهایی که گویی شهر دوباره در آن متولد می‌شود. هر کسی در این خیابان قصه‌ای برای خودش دارد. روزی اندک‌ش آموزی که از مدرسه تا خانه، مسیر را با هم کلاسی‌هایش به شوخی و خنده طی می‌کند، روزی دیگر پیر مردی که عشا به دست، به کافه‌ای قدیمی سر می‌زند و خاطرات جوانی‌اش را در بخار چای تماشا می‌کند. دو عاشق جوان، میان همههمه شهر، دستان‌شان را گره زده‌اند و در سایه‌روشن چنارها قادم می‌زنند. کسی شاید به امید رسیدن، در ایستگاه اتوبوس منتظر است، کسی دیگر با همان اتوبوس، جایی در مسیر زندگی پیاده می‌شود.

ولیعصر آینه هزار چهره شهر است. ترافیک، گاه نفس خیابان را بند می‌آورد اما همین توقف‌ها، بهانه‌ای برای نگاه کردن به پنجره‌ها و ویترین‌ها می‌شود. گاهی گذر یک نوازنده دوره‌گرد، موسیقی‌اش را میان شلوغی‌ها رها می‌کند. صدای فروشندehای که از سر اجبار یا عادت، آواز می‌خواند یا مرمدی که فال‌رغ از هیاهو، در گوشه‌ای نشست‌اند و برای خودشان زندگی پیاده را تماشا می‌کنند.

در ختان چنار، با به‌سن گذاشته‌اند اما هنوز ایستاده‌اند. شاهدن بر همه رفت‌وآمدها، بر اشک‌ها و لبخندها، آنها حتی بر روزهای پر آلودگی وقتی آسمان ابری‌تر از همیشه می‌شود، هوای خاطر‌ها را تازه نگه می‌دارند. کوچه‌های منتهب به ولیعصر، مثل صفحات یک دفتر خاطرات‌اند؛ گاه فراموش شده، گاه هر زد و شلوغ، اما همیشه زنده.

هر شهری یک خیابان اصلی دارد، اما تهران، خوش‌اقبال است که خیابان اصلی‌اش، قصه‌دارترین است. ولیعصر، فقط یک مسیر طولانی نیست، خاطره‌خانه‌ای جمعی است برای نسلی که با آن قد کشیده، بزرگ شده و دنیای خودش را ساخته است. قدم زدن در ولیعصر، سفر به تاریخ معاصر تهران است. شهری که خنده و گریه‌اش، رفت‌وآمد و توقفش، همه در این خیابان موج می‌زند.

گاهی کافی است فقط چند دقیقه در سایه چنارهای ولیعصر راه بروی تا بفهمی هیچ کجای این شهر، مثل این خیابان، با تو حرف نمی‌زند؛ جایی که زندگی، بی‌وقفه جریان دارد و هر کس، پاره‌ای از جان خود را به آن سپرده است.

دبیر حوادث:فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه:مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر:بابک نبی، دبیر بین‌الملل:رامتین لطیفی،
ویراستار:فرزانه اختیاری و مر تفسی کیلیلی

از گوشه و کنار دنیا

روایتی از ایستگاه کی لیلا سوبیف
پس از ۲۶۲روز اعتصاب غذا!

مادری که نمی‌خواید

الیه کاکایی
هفت صبح

جهان بارها قدرت‌های بزرگ دیده، اما هیچ قدرتی به اندازه قلب‌نگران که مادر تاثیر گذار نبوده است.مادری که هر روز، با دستانی خالی، روبه‌روی قدرت می‌ایستد، فقط یک هدف دارد: «زندگی فرزندش». قصه لیلا سوبیف، مادر فعال حقوق بشر بریتانیایی مصری، علاء عبدالفتاح، داستان همین ایستادگی بی‌صداست؛ قصه‌ای که حالا، پسر از ۲۶۲ روز اعتصاب غذا، او را به تخت بیمارستان در لندن رسانده اما اارده‌اش را نشکسته است.

لیلا سوبیف، در لحظه نگارش این سطور، نه فقط مادری دل‌تنگ که صدای رسای عدالت‌خواهی است.او پس از آغاز اعتصاب غذا از ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۴، یعنی روزی که فرزندش باید آزاد می‌شد اما در زندان ماند، حتی قهوه‌ای غذای واقعی به لب نزده و حالا، با افت قند خون خطرناک، بستری است. خانواده‌اش می‌گویند با وجود وخامت وضعیت جسمانی، همچنان از دریافت درمانی که کالری به بدنش برساند سر باز می‌زند. پزشکان می‌گویند او ۴۲ درصد وزنش را از دست داده و هر ساعت، خطر مرگ بالای سرش است، اما او همچنان به قولش پایبند مانده است.

در عصری که واژه‌ها تهی شده‌اند، شاید «اعتصاب غذا» برای ماشنودگان دور، فقط تکرار خبری باشد؛ اما برای مادری مثل لیلا، هر روز اعتصاب، قدم گذاشتن در مبدایی بی‌پایان از درد و امید است. او، یک روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه که سال‌ها پیش از این نیز در اعتراض به وضعیت حقوق بشر مصر، سکوت

امروز نودمین سال تشکیل نخستین جلسهٔ رسمی «فرهنگستان ایران» است

خدمت مأجور*

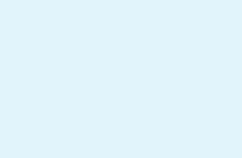
و صنعت‌گران و الفاظ و اصطلاحات قدیمی و اشعار و امثال و قصص و نوادر و ترانه‌ها و آهنگ‌های ولایتی، هدایت‌افکار به حقیقت ادبیات و چگونگی نظم و نثر، تشویق شعرا و نویسندگان در ایجاد شاهکار های ادبی، تألیف و ترجمهٔ کتب سودمند و مطالعه و اصلاح خط فارسی» بود.

فرهنگستان اول طریقی سالم و معتدل، دور از تعصب عربی‌زاد یا و سره‌آفرینی و منطبق با طبیعت زبان انسانی و ناموس تحول و تطور آن، در پیش گرفت و از این‌رو در واژه‌گزینی نسبتاً موفق از کار در آمد.

امروز نودمین سال تشکیل نخستین جلسهٔ رسمی «فرهنگستان ایران» است. نهادهی که فرمان تأسیس آن دو هفته قبل‌تر از سوی رضاشاه «برای حفظ، توسعه و ترقی زبان فارسی» صادر شد و طبق اساسنامهٔ ۱۶ ماده‌ای که وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به تصویب هیأت وزرا رساند، وظایف دوازده‌گانه‌اش مشتمل بر «ترتیب فرهنگ به قصد رد و قبول لغات و اصطلاحات در زبان فارسی، اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته‌های زندگانی، پیراستن زبان فارسی از الفاظ نامتناسب خارجی، تهیهٔ دستور زبان، جمع‌آوری لغات و اصطلاحات پیشه‌وران



عکس روز



گل کوچک روی گنگ

در دل گرمای سوزان تابستان، پسری جوان بر سکوی سنگی وسط رود گنگ در واراناسی، هند، فوتبال بازی می‌کند. توب در هوا معلق است، همان طور که لحظه‌ای کوتاه از کودکی بی‌پیرا به‌اش. در حالی که قایق‌ها بی‌صداب بر سطح آب می‌گذرند، شادی ساده‌او تصویری زنده از زندگی در کنار یکی از مقدس‌ترین رودهای جهان را به نمایش می‌گذارد.

عکس: AFP / Getty Images

هفت صبح

پازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع وقابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com



نسلی که در برابر سرکوب، در برابر زندان و در برابر سکوت دولت‌ها، عقب نمی‌نشیند. سازمان ملل هم زندانی بودن علاء را خلاف قوانین بین‌المللی دانسته؛ اما هنوز، هیچ وعده‌ای به تالش» را داده‌اما تا این لحظه هیچ تغییر نکرده است. اما رنج لیلا، بازتاب رنج بسیاری از مادران، پسران و فرزندانی‌ست که تصویرشان هر روز در خبرها تکرار می‌شود. از خیابان‌های قاهره تا دیوارهای غره؛ قصه‌مادرانی که سال‌هاست در صف انتظار دیدار دوباره با عزیزان‌شان، پیر می‌شوند و باز امید را هانمی‌کنند.

در جهانی که اخبار تلخ، هر روز بی‌وقفه تکرار می‌شود، شاید لازم باشد گاهی مکث کنیم. به یاد بیاوریم که پشت هر تیتر، انسانی ایستاده که نامش «مادر»، «فرزند»، «همسر» یا «دوست» است؛ و ایستادگی لیلا سوبیف، چیزی فراتر از اعتراض سیاسی است؛ یادآوری است برای ما که انسانیت، حتی وقتی همه‌چیز از دست می‌رود، می‌تواند در قلب یک مادر، روشن بماند.



فرهنگستان ایران یکی از مترقی‌ترین بنیادهای ایران مدرن بود. نهادهی که با حضور برجسته‌ترین دانشی مردان روزگار پدید آمد و شکل گرفت و کوشش اولی و اصلی خود را بر معادل‌سازی و زبان‌پیرایی گذاشت. نه در دام غرور و تعصب و به‌ویژه عرب‌ستیزی و عرب‌زدایی افتاد و نه خود را در بازی سره و ناسره انداخت و چون از توجه و تمرکز آن بزرگان بهره می‌برد، یک‌سره در میدان علم عمل کرد و توانست واژه‌های مهمی را برقرار کند چنان‌که فارسی امروز ما بیش از هر زمان دیگری، محصول و مدیون آن است و از جمله لغاتی چون زیست‌شناسی، بهداری، دادگستری، زیست‌شناسی، شهرداری، آتش‌نشانی، نوار چسب، ماما، کارگر، کوره‌پز، شیرخوارگاه، دستیار، تیمارستان، آب‌بها، ادارهٔ شهربانی، ادارهٔ آگاهی، زندانی، زندان‌بان، گذرنامه، پاسگاه، نگهبان، نگاهبانی، بازرس، بازجو، انگشت‌نگاری، ملوان، نیروی دریایی، دبیرخانه، بخش نامه، دام‌پزشکی، چشم‌پزشکی و حتی ارسباران، مه‌یاد، آبادان، بستان، خرمشهر، شادگان، سوسنگرد و هویزه که شاید ندانیم، تنها در هشت ماه نخست فعالیت فرهنگستان (تا

۳۰ بهمن ۱۳۱۴) معین و مشخص شدند و نشان و نشانه‌ای است از امعان نظر این فرهیختگان. فصل دوم فرهنگستان ایران که محل برگزاری‌اش برای جلسات دوشنبه‌ها، از دهم شهریور ۱۳۱۴ به مدرسهٔ عالی سپهسالار (دانشکدهٔ معقول و منقول) منتقل شده بود، بسا تمرکز بیشتری بر جنبه‌های ادبی—پژوهشی و نه واژه‌گزینی صرف، در روز چهارشنبه، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۱۷ آغاز شد و تا بهمن ۱۳۲۲ مداوم مه‌رون و مدیون آن است و توفیق (آذر ۱۳۱۴)، علی‌اصغر حکمت (اردیبهشت ۱۳۱۷)، اسماعیل مرآت (مرداد ۱۳۱۷)، عیسی صدیق (مهر ۱۳۲۰)، بار دیگر محمدعلی فروغی (آذر ۱۳۲۰) و حسین سمعی (آذر ۱۳۲۱) بودند.

فرهنگستان اول به‌اعتقاد «داریوش انشوری»، «به‌رغم عمر کوتاهش، از نظر دگرگون کردن فضای زبانی و شکستن فئسای محافظه‌کارانه‌ای که عادت‌ها و گرایش‌های دیرینهٔ ادیبانه پاسدار آن بودند، نقش بزرگی بازی کرد».

تعبیر علی‌اصغر حکمت دربارهٔ فرهنگستان ایران

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
اذان صبح: ۰۲:۰۵ | طلوع آفتاب: ۰۴:۴۹ | اذان ظهر: ۱۲:۰۲ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۵ | اذان مغرب: ۱۹:۳۶

تاکسی نت

راننده دیپلمات

سعید بیابانکی
شاعر و طنزپرداز

داشتم؛ در یکی از سفر تخانه‌های ایران کاردار بودم. چرخ زمانه به کام ما نگشت و عذرم را خواستند. مدتی رستوران زدم و حسابی سرم شلوغ شد. غذای چند تا از این شرکت‌های مشهور را تأمین می‌کردم و حسابی کارم گرفته بود. ولی رقبای حسود به آشپزخانه‌ام نفوذ و غذایم را خراب کردند و شرکت‌ها یکی پس از دیگری قرار دادهای‌شان را فسخ کردند و ورزشکست شدم. می‌گویم امان از نفوذی‌ها! و می‌زند زیر خنده.

می‌گویم پدرجان اگر بچه خوبی بودی و با همان فرمان در وزارت خارجه ادامه می‌دادی الان شده بودی آقای ظرفی‌ف و خودت می‌گویی شما هم برای خودت راننده داشتی و الان توی تیم پارسی‌خوایی هستی! می‌گویم پارسی‌خوار

است؛ متولد ۱۳۲۵. می‌گویم من هم جوان‌تر که بودم عاشق حل کردن جدول بودم. جدول هم طراحی می‌کردم برای روزنامه اطلاعات. می‌گویی شما هم برای خودت جدول داشتی و الان توی تیم پارسی‌خوایی هستی! می‌گویم پارسی‌خوار

است؛ متولد ۱۳۲۵. می‌گویم من هم جوان‌تر که بودم عاشق حل کردن جدول بودم. جدول هم طراحی می‌کردم برای خودت راننده داشتی و الان توی تیم پارسی‌خوایی هستی! می‌گویم پارسی‌خوار

است؛ متولد ۱۳۲۵. می‌گویم من هم جوان‌تر که بودم عاشق حل کردن جدول بودم. جدول هم طراحی می‌کردم برای خودت راننده داشتی و الان توی تیم پارسی‌خوایی هستی! می‌گویم پارسی‌خوار

است؛ متولد ۱۳۲۵. می‌گویم من هم جوان‌تر که بودم عاشق حل کردن جدول بودم. جدول هم طراحی می‌کردم برای خودت راننده داشتی و الان توی تیم پارسی‌خوایی هستی! می‌گویم پارسی‌خوار

است؛ متولد ۱۳۲۵. می‌گویم من هم جوان‌تر که بودم عاشق حل کردن جدول بودم. جدول هم طراحی می‌کردم برای خودت راننده داشتی و الان توی تیم پارسی‌خوایی هستی! می‌گویم پارسی‌خوار

است؛ متولد ۱۳۲۵. می‌گویم من هم جوان‌تر که بودم عاشق حل کردن جدول بودم. جدول هم طراحی می‌کردم برای خودت راننده داشتی و الان توی تیم پارسی‌خوایی هستی! می‌گویم پارسی‌خوار

است؛ متولد ۱۳۲۵. می‌گویم من هم جوان‌تر که بودم عاشق حل کردن جدول بودم. جدول هم طراحی می‌کردم برای خودت راننده داشتی و الان توی تیم پارسی‌خوایی هستی! می‌گویم پارسی‌خوار

کوچه کتاب

تماشای نیم‌قرن کشمکش وهمزبستی



در جهان برهیاوی امروز، شاید کمتر موضوعی باشد که تا این اندازه میان دو قطب مهم فرهنگ ایرانی—دین و موسیقی—خطی باریک و پرتنش کشیده باشد؛ و حالا کتابی آمده تا پرده از پیچیدگی‌های این نسبت چندلایه بردارد: «دین و موسیقی در ایران معاصر» نوشته حسین سروی با مقدمه و نظارت دکتر حسین محدثی گیلوایی. اثری که حاصل سه سال پژوهش بی‌وقفه است، تلاشی است برای گفت‌وگوی عمیق، معترمانه و انسانی میان دو قلمرو که گاه گمان می‌رود بر سر دواهی‌اند. سروی، پژوهشگر پرکار حوزه فرهنگ و هنر، با نگاهی چندوجهی و فارغ از پیش‌داوری‌های رایج، کوشیده است از درِ پیچ‌های متفاوتی به مسئله بنگرد. از تحلیل فتاو و متون فقهی تا آرشیه‌های مطبوعاتی پنج دهه گذشته، از داده‌های آماری و تحلیل‌های تجربی تا گفت‌وگو با طیفی وسیع از فعالان، مدیران و موسیقیدانان کشور. کتاب صرفاً تلاشی است برای شرح تقابل‌ها یا هم‌زیستی دین و موسیقی، بهاراستی سعی دارد داستان واقعی، زنده و انسانی این جدال و گفت‌وگو را به تصویر بکشد؛ آن هم در سرزمینی که موسیقی، از دل جامعه می‌جوشد و دین، در تار و پود فرهنگ ریشه دارد. این پژوهش، صرفاً گزارشی علمی یا آکادمیک نیست و در درون خود دعوتی است به تأمل دوباره بر آنچه طی نیم‌قرن گذشته بر موسیقی و دین ما گذشته است. فصل‌های کتاب، آکنده از روایت‌های میدانی، نگاه جامعه‌شناسانه و تلاشی برای برکردن شکافی است که تا امروز در بسیاری از آثار مشابه دیده می‌شد؛ شکاف میان تجربه زیسته هنرمندان و دغدغه‌های نظری و فقهی، سروی، با صداقتی تحسین‌برانگیز، از دشواری‌های مسیر سخن می‌گوید؛ از دسترسی به آرشیه‌ها و منابع معتبر تا ثبت صداهای متضاد و متکثر، همه و همه در خدمت نزدیک‌تر شدن به صدای واقعی جامعه ایرانی. کتاب «دین و موسیقی در ایران معاصر»، موضع‌گیری نیست و داوری نیست؛ می‌توان گفت پیشنهادی برای شنیدن و فهمیدن است. این اثر به خوبی نشان می‌دهد که هنر و دین، به جای دو میدان جداگانه، دو قلمرو منعنابخش‌اند که بدون گفت‌وگوی متقابل، هر یک بخشی از هویت ایرانی را ناقص می‌گذارند. اهمیت اثر آنجا مضاعف می‌شود که نویسنده، خود اهل هر دو ودای است: هم اهل موسیقی، هم آشنا با زبان علم و پژوهش. و چه هوشمندانه، در پایان، خواننده را به نقد و تکمیل پژوهش دعوت می‌کند، تا این روایت باز بماند و صداهای جدیدی بدان افزوده شود.